

کشاکش جناحهای رژیم در سیاست خارجی

*مشکینی: در صورت بروز جنگ، در مقابل آمریکا خواهیم ایستاد

بدنبال سخنان خامنه‌ای در روز چهارشنبه ۲۱ شهریور اعلام جهاد علیه آمریکا، موج تبلیغات ضد آمریکایی گسترش یافت. دو روز بعد از سخنان "رهبر انقلاب"، موسوی اردبیلی در نماز جمعه تهران اعلام کرد "قیام مسلمانان در منطقه یک وظیفه شرعی است". آیت‌الله مشکینی در نماز جمعه قم پا را از این هم فراتر گذاشت و وعده داد که "ملت ایران در صورت بروز جنگ در منطقه در مقابل آمریکا خواهد ایستاد". همزمان با برجسته‌تر شدن سیاست ضد آمریکایی نسبت به بحران خلیج، بیش از ۶۰ تن از نمایندگان مجلس از دعوت خامنه‌ای به جهاد علیه تجاوز آمریکاستقبال و حمایت کردند. این مواضع تند ضد آمریکایی که پس از سفر طارق مزیز به تهران اتخاذ شد با سکوت نسبت به تجاوز عراق به کویت همراه

بقیه در صفحه ۳

خلیج فارس در قلاطم بیم و امید!

*ملک حسین پس از ملاقات با رئیس‌جمهور الجزایر و سلطان مراکش گفت

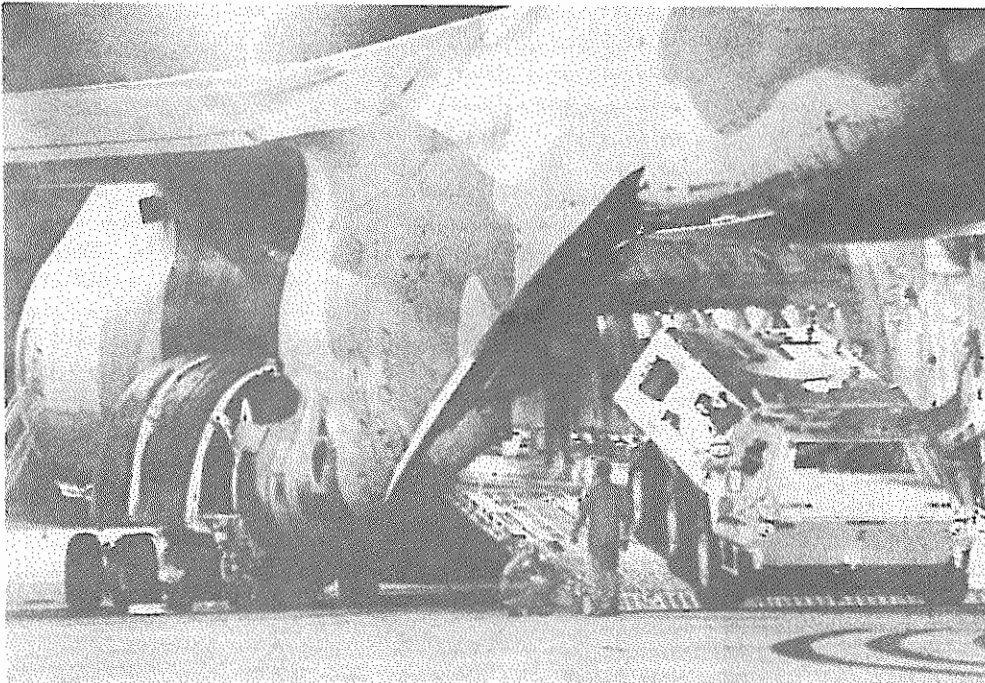
راه حلی برای بحران پدید آمده است

*سخنگوی دولت عراق تهدید کرد: هر گاه حمله نظامی به عراق صورت بگیرد، تمام چاه‌های نفت خلیج به آتش کشیده خواهد شد

خلیج فارس همچنان در تلاطم بیم و امید بسر می‌برد. هنوز در افق سیاسی منطقه، چشم‌انداز روشنی برای حل دیپلماتیک بحران پدید نیامده است. محاصره دریایی عراق، صرفنظر از عدول پاره‌ای از کشورها از تعهد و میثاق بین‌المللی، همچنان ادامه دارد و حلقه محاصره پیوسته تنگ‌تر می‌شود. تصمیم‌گیری پنج عضو

دائمی شورای امنیت مبنی بر تحریم هوایی عراق، می‌رود که جنبه عملی به خود بگیرد. جرج بوش در سخنان جمعه گذشته خود تصریح کرده است که در صورت عدم حصول نتایج لازم از تصمیم سازمان ملل متحد در رابطه با محاصره عراق، آمریکا قدم‌های دیگری بر خواهد داشت. تداوم بی‌وقفه گسیل نیروهای آمریکایی به خلیج، پشتوانه‌ای برای این

تهدید است. همچنین، تسلیح بزرگ ابعاد عربستان و شیخ‌نشین‌های خلیج توسط غرب از یک سو، و تعهد جدید امریکادر بالابردن سطح کمک‌های اقتصادی و نظامی به اسرائیل از سوی دیگر، نشانه آنست که شق احتمال آغاز یک جنگ فیر قابل مهار در منطقه، منتفی نیست. رژیم عراق نیز به تهدیدات متقابل خود ادامه می‌دهد.



اعزام نیرو به منطقه خلیج فارس همچنان ادامه دارد. هکس بالا اولین سری از تانک‌های مخصوص جنگ شیمیایی متعلق به ارتش آلمان فدرال را نشان می‌دهد که با سر نشینان آمریکایی آن به منطقه ارسال می‌شود.

این رژیم اعلام داشته است که در صورت حمله نظامی امریکابه عراق، عملیات انتقامی خارج از منطقه خلیج، گریبان او را خواهد گرفت. سخنگوی دولت عراق در سخنان ۳۵ شهریور ماه خود، حتی سطح تهدید را بالا برده و گفت: "هر گاه حمله نظامی به عراق صورت بگیرد، تمام چاه‌های نفت خلیج را به آتش خواهیم کشید."

رژیم عراق هم، فقط به حرف کفایت نمی‌کند. مسدود کردن دارایی کشورهای که در محاصره دریایی علیه عراق شرکت دارند و افزایش تعداد سربازان مستقر در خاک کویت، که از زمره اقدامات جدید صدام است نشان می‌دهد که عراق شق وقوع جنگی خطرناک را به هیچ وجه از مد نظر دور نمی‌دارد.

تا به امروز تلاش‌های بین‌المللی برای حل بحران خلیج - عقب‌نشاندن عراق از کویت و متوقف کردن اعزام نیرو از سوی ناتو به منطقه و بازگشت دادن نیروهای اعزامی به مبدا حرکت خود، به ثمر ننشسته است. حتی خاویز پرز دوکوتیار که بنا به موقعیت ویژه خود معمولاً اظهار نظرهایش را با بیان حد امکان نزدیکی به صلح در هر تشنج پدید آمده همراه می‌کند، مجبور به این هشدار شده است، "بحران خلیج می‌تواند به یک جنگ جهانی فرارود."

بقیه در صفحه ۲

حافظاسد

به تهران رفت

در صفحه ۲

نقشه‌های رژیم برای "آزادگان"

می‌کند؟ اگر این رژیم، رژیمی بود دارای حداقل اصول انسان دوستانه و اگر سردمداران آن پذیرفته بودند که ۶ سال ادامه جنگ از سوی آنها اشتباه و فاجعه‌ای بزرگ بوده است. می‌شد دلسوزی آنها نسبت به اسرای آزاد شده را نوعی تلاش برای جبران اشتباه درباره‌های از قربانیان درجه اول این اشتباه دانست. اما صرفنظر از جنبه‌های تبلیغی مسئله، رژیم از این همه دلسوزی‌ها و امتیاز دادن‌ها منظور دیگری را تعقیب می‌کند و

بقیه در صفحه ۳

دست رفته زندگی آنان برآید و کمک‌شان کنند تا بتوانند زندگی خود را از نوسرو سامان دهند. اما دلسوزی رژیم برای آزادشدگان غیر طبیعی می‌نماید. غیر طبیعی از این نظر که رژیمی که اصولاً برای جان انسان‌ها ارزشی قائل نیست و صدها هزار تن از آنها را در جنگی بیرحمانه قربانی ساخته و دهها هزار تن دیگر از آنان را به جرم آزادی‌خواهی در برابر جوخه اعدام قرار داده، چرا برای بازگشت گروهی از همین انسان‌ها به کشور، این چنین شادمانی و دلسوزی

تبلیغات گسترده پیرامون بازگشت اسرا به کشور، هنوز با همان شدت روزهای اول ادامه دارد. مسئولان بزرگ و کوچک مملکتی به هر بهانه‌ای سخن به توصیف آزادشدگان می‌کشاند و با جملاتی شورانگیز تقدیرشان می‌کنند. رادیو و تلویزیون و روزنامه‌ها هر روز از اختصاص تسهیلات گوناگون در زمینه اشتغال، مسکن، تحصیل و سایر امور برای آنان سخن می‌گویند... طبیعی است که جامعه ما در قبال اسرای آزاد شده مسئول است و باید در جهت جبران سال‌های از

در این شماره

- ☆ یازدهمین دوره بازی‌های آسیائی - سپکن در صفحه ۴
- ☆ یافته‌های نودبرخی از رشته‌های دانش معاصر در صفحه ۸
- ☆ پژوهش‌های علمی در صفحه ۵
- ☆ از سخنرانی زهرا حوزب سوسیالیست مردم‌گرا تیک آلمان در صفحه ۶

مدارس و بویژه دانشگاه‌ها شاهد شکل‌گیری حرکات اعتراضی فراوانی بودند که به دلایل صنفی و در برخی موارد سیاسی به وقوع پیوست. شرایط بروز ناراضی‌های اسیول از بین نرفته، بلکه بیشتر شده است. و به همین دلیل انتظار

مدارس و دانشگاه‌ها جهت کنترل کوچکترین حرکات دانش‌آموزان و دانشجویان و بویژه حساسیت آنها در مورد بروز هرگونه حرکت اعتراضی صنفی و سیاسی، یکی از بزرگترین مشکلات است که بر ذهن و روان دانش‌آموزان و دانشجویان فشار می‌آورد و محیط‌های تحصیلی را فیر قابل تحمل می‌کند.

درس خواندن در ایران هر قدمش با مشکلات فراوان روبروست. همه این مشکلات زمینه ساز اعتراض دایمی دانش‌آموزان و دانشجویان علیه شرایط موجود در محیط‌های آموزشی است. اقدامات رژیم نظیر تهدید، اخراج، دستگیری و کنترل دایمی مدارس و دانشگاه‌ها هر سال بیشتر کارایی خود را از دست داده است. سال گذشته

به یاد جانباختگان فاجعه ملی سال ۶۷

گام به گام فاجعه

در صفحه ۳

سال تحصیلی جدید در میان انبوه مشکلات آغاز شد

انباری و بنجل سال قبل را توزیع می‌کنند، ولی قیمت‌ها نسبت به سال گذشته گران تر شده است. دانش‌آموزان و دانشجویان از خون تمیبه وسایل مورد نیاز خود که بگذرد، با دهها دردسر جدید روبرو می‌شوند. مشکل رفت و آمد، اتوبوس‌های شلوغ، خیابان‌های ناامن برای کودکان، کلاس‌هایی که از شدت شلوغی باید توی پنجره آنها بنشینند، کمبود معلم، معلم‌های بی‌تجربه، دیر رسیدن کتاب، خرافاتی که به جای علم به خوردشان داده می‌شود، نزول روز افزون سطح آموزشی، همراه با مشکلات

مضاعفی که دانش‌آموزان شهرستانی - نظیر کمبود خوابگاه - با آن دست بگیرانند... تنها بخشی از این مشکلات است. به همه این مشکلات باید وجود انجمن‌های اسلامی، معلم‌های امور تربیتی، قوانین دست و پاگیر، آئین‌نامه‌های انضباطی و سخت‌گیرانه‌ی دیگر را هم اضافه نمود. فشارهای تمام نشدنی نهادهای گوناگون رژیم در

نمی‌دهند. اما آمارهای مختلف منتشر شده، حاکی از گسترش بیسوادی در جامعه ما و محروم ماندن بخش‌های وسیع‌تر کودکان و نوجوانان از راه یافتن به مدارس است.

هزینه درس خواندن در ایران با سرعت سرسام‌آوری افزایش می‌یابد و بر خانواده‌ها بار کمر شکنی تحمیل می‌کند. امسال در بسیاری از مناطق و مدارس رژیم رسماً اقدام به دریافت شهریه از دانش‌آموزان کرده‌اند. گرانی و کمبود لوازم التحریر و سایر وسایل مورد نیاز نیز به مشکل بزرگی برای خانواده‌ها تبدیل شده است. لوازم التحریر، کیف، کفش، روپوش و مخفنه در تهران و شهرستان‌ها کم و بسیار گران است. هیچ ارگانی مسئولیت نظارت بر قیمت‌ها را برعهده ندارد و تولید کنندگان همده و تجاره، هر نرخی را که بخواهند بر روی لوازم التحریر می‌گذارند. به گفته مردم افزایش قیمت‌ها سرسام آور است و هر کس مطابق سلیقه خودش قیمت‌ها را افزایش می‌دهد. هلیرقم آنکه اجناس

سال تحصیلی جدید از دیروز آغاز شد و میلیونها دانش‌آموز و دانشجو بار دیگر محیط‌های آموزشی را از شور و تحرک آکنده ساختند. به رسم هر ساله مقامات رژیم با ارسال پیام‌هایی بمناسبت شروع سال تحصیلی جدید، از موفقیت‌های عظیم جمهوری اسلامی در زمینه آموزش و پرورش سخن گفتند و دانش‌آموزان و دانشجویان را به پیروی از سیاست‌های حکومت فراخواندند. آنچه در این پیام‌ها ناگفته ماند، انبوه مشکلاتی است که درس خواندن در کشور ما بدنبال دارد.

امسال نیز زنگ مدارس در شرایطی به صدا در آمد که میلیونها کودک و نوجوان ایرانی، از نعمت آموختن و نشستن بر روی نیمکت کلاس درس محروم مانده‌اند. این میلیونها تن، فرزندان مردم زحمتکش و کم درآمد میهن ما هستند. مسئولان از میزان بیسوادی و تعداد کودکان و نوجوانانی که به دلایل مختلف نمی‌توانند به مدرسه بروند، آمار رسمی به دست

خلیج فارس در تلاطم بیم و امید!

بقیه از صفحه اول
اگر چه به هیچ وجه نمی توان مطمئن بود که روند مقابله نظامی و جنگ پر رونق حل سیاسی بحران پیشی نگیرد، اما با این همه به نظر می رسد که فعل و انفعالاتی در جریان است تا بروی رفع بحران از خلیج، نقطه تعادلی بدست آید. چنان حدی از تعادل، که منافع حداقل طرفین ماجرا در آن تامین شود.

میرانند، به اجرا درآورد. اندیشه ای که طبق آن، آمریکا سروش جهان است. بنابراین طبیعی است که اجرای این اندیشه در منطقه حساس نفتی خلیج که در آن خلا نیروی مقتدر وفادار به قرب کاملا محسوس است، با حضور نظامی آمریکا در این منطقه ضمانت بیابد. آمریکا، می دانسته که در جلوگیری از بحران در خلیج، عقب افتاده و برای آن امکان عمل به گونه ماجراجوی گرانادا و پاناما نبوده است. اکنون، آمریکا بر آنست که حتی المقدور وارد جنگ بی چشم انداز با عراق نشود ولی برای عقب نشاندن عراق از کویت نیز، زمان را از دست ندهد. عراق نیز می داند که برای بلعیدن لقمه بزرگی چون کویت، از نیروی حمایتی کافی در جهان و منطقه برخوردار نیست. صدام حسین، فقط روی نارضایتی رو به گسترش در افکار عمومی غرب نسبت به احتمال درگیر شدنشان در جنگی تمام عیار در خلیج، بروز اختلافات در میان دول غرب بر سر تداوم استقرار نیروی سنگین نظامی در خلیج و هزینه کمر شکن آن، و روی تشدید ناسیونالیزم

مداخله آمریکا در خلیج، بیشتر یک مداخله بازدارنده و یک آمادگی برای اقدام نظامی مستقیم، ضربتی و به موقت در شرایط گسترش دامنه بحران اخیر و یا وقوع بحران های جدید در آینده است. آمریکا، تمرکز بی سبقت نیروی عظیم نظامی در خلیج را، در لحظه کنونی قبل از همه وسیله اعمال فشار به عراق برای کاهش سطح توقع آن قرار داده است. در واقع، آمریکا به هدف اصلی خود که همانا حضور مستقیم نظامی در منطقه و تداوم آن است، رسیده است. آمریکا در پی بهانه ای که صدام به دستش داد، توانست اندیشه ای را که سخنگویانی چون کیسینجر و برژینسکی صریحا بر زبان

عراق و در همین حال عقب نشینی آن از کویت است، جعلگی مبین آن است که احتمال فوق از زمینه تحقق بالایی برخوردار است. عراق، به دینار کویت و حتی احتمالا به تقبل پرداخت پول هنگفت از سوی شروتمندان جامعه کشورهای عرب، به جزایر بویان و ورپه و دست یابی مطمئن و تضمین شده به خلیج فارس، چشم دوخته است و از این امتیازات که آنها را قابل حصول ارزیابی می کند، کوتاه نمی آید. اگر جامعه عرب، این خواست ها را برآورد کند و روشن کردن تکلیف آل صباح و حکومت آینده کویت را به شیوه هربی و به دست خود اهراب سر و سامان دهد، به احتمال بالا عراق دیگر مشکل چندانی نخواهد داشت.

علیرغم همه آنچه که گفته شد، خطر گسترش بحران و وقوع جنگ مهار ناپذیر و بزرگ ابعاد در خلیج را نباید منتفی دانست. باید همه نیروی صلح جهانی، در جهت تقویت نقش سازمان ملل متحد در حل بحران خلیج، برگردانند امنیت و آرامش به آن و خروج نیروهای نظامی متجاوز از کویت و منطقه متمرکز شود.

حافظ اسد به تهران رفت

روز شنبه گذشته حافظ اسد رئیس جمهور سوریه برای مذاکره با مقامات ایرانی به تهران رفت. این سفر یک هفته دیرتر از زمان پیش بینی شده قبلی صورت گرفت. وی در فرودگاه مهرآباد تهران مورد استقبال هاشمی رفسنجانی هم تالی ایرانی اش قرار گرفت. رئیس جمهور سوریه روز یکشنبه با جمعی از مقامات ایرانی وارد مشهد شد و از آرامگاه امام هشتم شیعیان دیدار کرد. هدف حافظ اسد از مسافرت به تهران گفتگو با سران جمهوری اسلامی بحران منطقه خلیج فارس و اختلافات دو کشور در این زمینه می باشد وی پیش از سفر به تهران هدف از دیدار با سران جمهوری اسلامی را متقاعد کردن دولت ایران به اتخاذ موضع صریح علیه عراق اعلام کرده بود. حافظ اسد زمانی نزدیکترین متحد جمهوری اسلامی به شمار می رنفت و در جریان جنگ ایران و عراق از رژیم تهران پشتیبانی می کرد. پس از حمله عراق به کویت، لشکرکشی آمریکا به منطقه و بروز بحران در خلیج

گزارش شده است.

مفته گذشته مقالاتی از کیسینجر و آنتونی بلین در رابطه با بحران خلیج فارس درج گردید. در این شماره، دو مقاله از برژینسکی، مشاور امنیتی کارتر و از چهره های برجسته حزب دموکرات آمریکا و مقاله ای در توضیح نظر مقامات و تحلیلگران اسرائیلی درج می گردد.

برژینسکی:

«جریان نفت را تامین کنید، آزادی کویت می تواند دیرتر حل شود»

این ها سخنان پوچ نیستند و اگر دو پیش زمینه تامین گردد، مادیت خواهند یافت. اول آنکه عمل مشترک واقعا بین المللی باشد و نه یک لشکرکشی بزرگ آمریکا ولو با پرچم سازمان ملل. این بدان معناست که این تلاش باید مورد حمایت جدی قرار گیرد و هیچ جایی برای طفره رفتن شوری یا ژاپن یا هر بازیگر همدرد دیگر وجود نداشته باشد و حداقل چند کشور عرب در اعمال فشار مداوم بعراق شرکت جویند و بهای آن نیز در سطح جهان بر اساسی قابل تقسیم گردد. دوم آنکه هر فشار بین المللی بر عراق از طریق تحریم یا محاصره اقتصادی می بایست در جهتی طرح ریزی گردد که آن را بمذاکره و اوار کند. کوشش باید برای اعمال فشار بعراق و نه له کردن آن صورت گیرد. در این زمینه تمایزی جدی وجود دارد و در چگونگی اعمال سیاست فشار خود را نشان می دهد. هدف نباید تسلیم بدون قید و شرط همچون جنگ جهانی دوم بلکه یافتن راه حل هائی از طریق مذاکره باشد. عدم توجه به این امر ما را با یک رژیم مستاصل مواجه خواهد ساخت که از سر نایمیدی باعملی دست خواهد زد تا محاصره اقتصادی عراق توسط جامعه بین المللی را به جنگ بزرگ توده های تحریک شده عرب علیه آمریکا بدل سازد. در این راه یکی از تاکتیک های مثلامی توانمند حرکت بسمت اردن و بدین وسیله وادار کردن اسرائیل بواکنش و سپس بوجود آوردن بحرانی وسیع تر باشد. در هر حالت بسیار پراهمیت است که ایالات متحده از تبدیل شدن به نوک پیکان هر کوششی اجتناب ورزد و طبیعتا راجع به عمل منفردانه آمریکا برای اخراج عراق از کویت نباید صحبت کرد. تصور در عدم رهایت احتیاط در این زمینه می تواند بعواقب ناگوار منجر گردد. اول آنکه بهای هر تلاش نظامی برای اخراج عراق از کویت می تواند سنگین باشد. قابل تردید است که مردم آمریکا تلفات انسانی سنگینی را برای بازگرداندن امیر کویت به تاج و تخت خویش بپذیرند. بعلاوه نباید فراموش کرد که موضع تهاجمی آمریکا و فشار نظامی برای اخراج عراق و با اعمال محاصره اقتصادی باریسک های بزرگی همراه خواهد بود. احتمال گسترش بحران غیر قابل انحصاض است. طرف های متعددی در منطقه در انتظار بهره برداری از فشار نظامی و خونریزی هستند. هم ایران و هم سوریه برای حل مسائل کهنه سیاسی و ارضی وسوسه خواهند شد. دولت لیکود در اسرائیل بدخالت نظامی تمایل دارد. عراق حتی ممکن است گسترش درگیری

منافع واقعا حیاتی آمریکا در بحران کویت تامین منبع بانات نفت با قیمت معقول برای جهان غرب است. تهاجم عراق علیه کویت آشکارا این امر را به خطر انداخته است. این تهاجم تنها بمعنی تحت تابعیت درآمدن کشورهای خلیج فارس توسط قدرتی است که بی رحمی و ستکبری های رادیکال خود را اثبات نموده است. اگر ایالات متحده بر خلاف آنچه عمل کرد، قادر به پاسخگویی سریع نمی گردید، عراق می توانست به قدرت فائق منطقه بدل گردیده و تعیین کننده نهائی قیمت نفت گردد.

از زمان تدوین دکترین کارتر در منطقه که توسط ریگان نیز تعقیب گردید، سیاست آمریکا اعمال قدرت در شرایط ضرور برای ممانعت از تسلط هر دشمن بر خلیج بوده است. دخالت نیروی دریایی آمریکا در حادث ترین لحظات جنگ ایران و عراق انعکاسی از این تصمیم بود. باین دلیل جرج بوش زمانی که تصمیم گرفت نیروهای نظامی آمریکا را در منطقه مستقر نموده و مانع پیشرفت بیشتر عراق گردد و به عربستان و دیگر کشورهای خلیج اطمینان دهد که آمریکا حتی اگر تنها باشد نیز تا حد درگیری نظامی پیش خواهد رفت، تصمیمی هوشیارانه و در راستای اهداف استراتژیک آمریکا اتخاذ نمود.

در پناه سپر قابل اتکا آمریکا، همکاری کشورهای تولیدکننده نفت برای بالا بردن تولید امکان پذیر گردیده است. حتی ایران دشمن نیز مایل است تولید را بالا ببرد و کشورهای دوست نه تنها در خاور میانه بلکه در سایر نقاط جهان قادرند جای خالی نفت عراق و کویت را پر کنند. از این رو اقدام دفاعی ایالات متحده در رابطه با عربستان منافع دیگر متحدین و کشورهای دوست آمریکا را تامین نماید.

بنظر می رسد در رابطه با این ضرورت ها در درون کشور اتفاق نظر وجود دارد و کابینه بوش بحق مورد حمایت وسیع قرار گرفت. اما در رابطه با دیگر اهداف سیاست آمریکا مسئله پیچیده تر است و بطور مشخص مسئله اشغال کویت.

اشغال و الحاق وحشیانه و متکی به زور یکی از اعضاء جامعه بین الملل توسط همسایه قدرتمندتر خویش نباید مورد پذیرش قرار گرفته و تحمل شود. اگر گونه دیگری عمل شود، نظم بین الملل به خطر خواهد افتاد.

این امر به پاسخی بین المللی نیاز مند است و نه پاسخی که به تنهایی توسط آمریکا یا اساسا توسط او داده شود. اگر جامعه بین المللی بتواند متحدان اخراج عراق از کویت را عملی سازد، از هر لحاظ مثبت است. این امر درس مهم و نمونه برجسته ای از همکاری بین المللی در اولین بحران بزرگ پس از جنگ، سابقه مثبت و پراهمیتی برای آینده خواهد بود.

را بسود خود بداند و خلاصه آنکه می تواند کل منطقه شعله ور گردد.

نتیجه می تواند تنها به گسترش درگیری محدود نماند، بلکه به محروم گشتن غرب از ذخایر نفت منطقه منتهی گردد. در چنین حالتی هدف دوم یعنی اخراج عراق از کویت می تواند ناخاسته به نفعی هدف مرکزی یعنی دسترسی غرب به نفت منجر گردد. این امری است تراتژیک که بخاطر دسترسی به نفت ممکن است عراق تحت فشار محتاطانه بین المللی مدتی در کویت باقی بماند.

استدلالات بالا بدان معنا نیست که تجاوز صدام مورد دعم قرار گیرد. بلکه به خاطر آن است که مابین سیاستی که بر مبنای ضرورت ها بنا می گردد و سیاستی که بر اساس برانگیختن هیستری مردم بنیان

مقامات اسرائیلی از گسترش بی ثباتی در اردن و سایر کشورهای عرب سخن گفته و نتیجه می گیرند که ایالات متحده باید سریعاً دست به عمل زندو گرنه با خطر گسترش آشوب در جهان عرب مواجه خواهد بود.

تحلیلگران اسرائیلی معتقدند علیرغم آنکه دولت بوش موفق به شکل دمی اتحادی علیه عراق گردیده، که شامل عربستان، مصر، سوریه و مراکش نیز می گردد، در صورتی که بحران تداوم یابد و صدام حسین به ارائه شعارهائی جهت تحریک احساسات ناسیونالیستی اهراب ادامه دهد، دولت های عرب بالقوه با خطر ناآرامی های جدی در کشور خویش مواجه خواهند بود.

مقامات هالیبرته اسرائیلی اظهار می دارند که بالاخص هلائم هشدار دهنده بی شماری در رابطه با موقعیت اردن در دست دارند. یکی از مقامات هالیبرته بیان کرد: "بنظر ما می رسد که شاه کنترول کشور را از دست داده است." این مقامات معتقدند، آمریکا احتمالا نمی تواند در انتظار نتایج تحریم اقتصادی علیه عراق که ممکن است ماه ها به درازا بکشد باقی بماند. تحلیلگران اسرائیلی معتقدند بهترین شق برای آمریکا، وارد آوردن ضربه سنگین هوائی و موشکی علیه عراق در آینده های نزدیک است. ضربه ای که امکانات عملیات تعرضی عراق را سلب کرده و رو حیاه ارتش آن کشور را در هم شکند.

یک مقام هالیبرته اسرائیلی اظهار داشت: "زمان در این موقعیت علیه آمریکا و همه ما عمل می کند. آنچه روشن است این است که اگر اوضاع به همین منوال پیش رود، ناآرامی ها ممکن است به اردن سرایت نموده و در نهایت دامنگیر ما نیز گردد." مقامات اسرائیلی در مورد نقل و انتقالات نظامی عراق، دو هفته قبل از حمله عراق به کویت به واشنگتن هشدار داده بودند.

گذارده می شود تفاوت قائل گردید. نمونه چنین هیستری، مقایسه اساسا نادرست صدام و هیتلر است. این مقایسه بر این واقعیت چشم می پوشد که هیتلر نیرومندترین کشور اروپا با ۷۰ میلیون جمعیت راهبری می کرد و قادر بود از نظر صنعتی جنگ طولانی مدتی را تحمل کند و صدام بر ۱۷ میلیونی فاقد صنایع جنگی و حتی مواد غذائی حکومت می کند.

در شرایطی آمریکا می بایست با قدرت و حتی به طور منفرد دولی هوشمندانه عمل کند. سیاست آن باید ممانعت از تجاوز و نه هدایت یک جنگ صلیبی باشد. اگر بخواهیم صریح صحبت کنیم، تامین جریان نفت مسئله آمریکاست و آزادی کویت یک مسئولیت بین المللی است.

جاکسون دیپل تفسیری از نظریات مقامات اسرائیل

اسرائیلی ها معتقدند، آمریکا می بایست سریعا ضربه را وارد آورد

یک مقام برجسته نظامی اسرائیلی در مصاحبه با خبرنگاران غربی اظهار داشت اسرائیل بالاخص نگران حوادث اردن است. وی گفت: "از این سوی مرز بوی جنگ به مشام می رسد. شاه و رژیم وی این را تقویت می کنند." مقامات اسرائیلی در مورد اعلام آماده باش کامل نظامی ارتش اردن هشدار داده و اظهار داشتند که اردنی ها کارهای عجیبی انجام می دهند و از این میان از فراخواندن افراد ذخیره ارتش، تمرین اعلام حمله هوائی در امان نام می برند.

مقام اسرائیلی اظهار داشت: "آن ها در حال آماده نمودن ارتش و مردم اردن برای یک جنگ احتمالی در آینده ای نزدیک هستند. شاید آن ها چیزهائی می دانند که ما نمی دانیم و شاید می خواهند با عراق همراهی کنند."

مقامات اسرائیلی می گویند آن ها همچنین نشانه هائی از گسترش تشنج در سوریه در دست دارند. جائی که پرزیدنت حافظ اسد سیاست بیست ساله مقاومت در برابر اهداف غرب را تشییر داده و به سیاست تحریم علیه عراق پیوسته است. پوسترهائی در تجمید صدام و انتقاد از همراهی اسد با غرب در شهرهای هامما و هومز که از پایگاه های فاناتیک های اسلامی است دیده شده است. در دره دروز و در بلندی های جولان نیز چنین حرکاتی به چشم خورده است.

به نظر می رسد سوریه می کوشد در زمینه استقرار نیروهای نظامی کمترین تعهدات را در مقابل مصر و آمریکا بپذیرد. کمتر از یک باریگاد سرباز سوری وارد عربستان گردیده و به همین ترتیب نیروهای محدودی به سمت مرز عراق و سوریه حرکت کرده اند.

به یاد جانباختگان فاجعه ملی سال ۶۷

دو سال از فاجعه کشتار دسته جمعی زندانیان سیاسی در ایران می گذرد. هنوز پس از دو سال، ابعاد این فاجعه ملی در پرده ابهام است. نه تعداد دقیق اعدام شدگان، نه اسامی کامل آنان، نه تاریخ اعدام ها، نه وصیت نامه ها و نه حتی محل دفن بسیاری از شهدای فاجعه ملی، معلوم نیست.

نگذاریم هیچ یک از قربانیان کشتارهای سال ۶۷ در گمنامی بماند، به مر اندازه که می توانیم در روشن ساختن گوشه های تاریک این فاجعه هولناک بکوشیم.

نشریه "اکثريت" آماده دریافت و انتشار هر گونه اطلاعاتی در این زمینه است.

در شماره آینده نشریه، فهرست اسامی بخشی از جانباختگان کشتار مهمانی سال ۶۷ که تاکنون جمع آوری شده است، درج خواهد شد.

گام به گام فاجعه

نیمه دوم مهر ماه ۶۷: نگرانی نسبت به وضع زندانیان سیاسی هر روز افزایش می یافت. قتلح ملقات ها نگران کننده بود. کسی خبر نداشت که در زندان ها چه می گذرد. خانواده های زندانیان سیاسی به هر جا که سر می زدند، نشانی از عزیزان خود نمی یافتند. اخبار جسته و گریخته، خبر از موج خون در زندان های کشور می داد.

نخستین هول انگیز دهان به دهان گشت: در گوهر دشت کرج حدود صد تن را اعدام کرده اند. در آمل ده ها تن از زندانیان سیاسی اعدام شده اند. حتی در شهر کوچکی مثل لنگرود نیز تعداد اعدامی ها بسیار است. اخبار نگران کننده از زندان های اوین، اصفهان، رشت و سایر جاها به بیرون درز کرد. همه چیز خبر از کشتار بزرگی می داد. گفته می شد از مرداد ماه موج اعدام زندانیان سیاسی به راه افتاده است. اما هنوز کسی دقیقاً نمی دانست در پشت دیوارهای بلند و سرد زندان ها چه می گذرد. هنوز ابعاد فاجعه بر کسی روشن نبود.

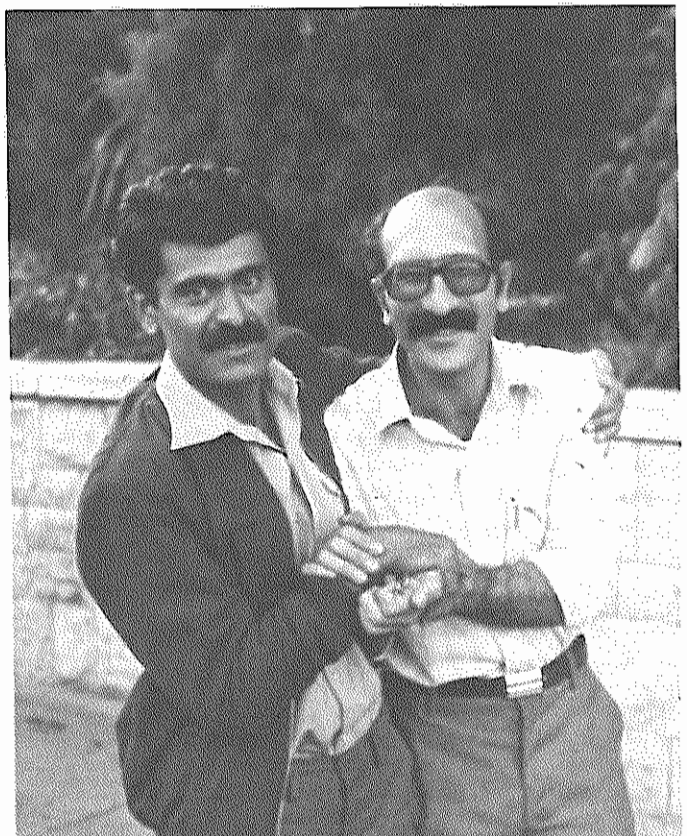
نیمه آبان: عکسهای تکان دهنده از یک گور جمعی متعلق به زندانیان سیاسی به خارج از کشور رسید و در مطبوعات مخالف رژیم به چاپ رسید. گور دسته جمعی آزادیخواهان در

خاوران تهران. اعتراض علیه کشتار زندانیان سیاسی ایران، جهان را فرا گرفت. سازمان عفو بین الملل در باره موج اعدام زندانیان سیاسی در ایران هشدار داد، اما هنوز هم ابعاد فاجعه بر کسی روشن نبود.

اواخر آبان: نخستین نام های قربانیان فاجعه به بیرون درز کرد. اما هنوز اکثر خانواده های زندانیان سیاسی از سر نوشت زندانیان خود بی خبر بودند. هنوز کسی نمی دانست فاجعه تا چه حد عظیم است.

چهارشنبه دوم آذر ماه: به دنبال یک ماه نگرانی طاقت فرسا که هر روزش همراه با خبر اعدام های تازه ای بود، زنگ تلغف خانواده های زندانیان سیاسی به صدا درآمد. زندانیان از آنان خواستند که روز جمعه به مقر کمیته های مختلف در تهران مراجعه کنند.

جمعه چهارم آذر ماه: بستگان زندانیان با بیم و امید به سوی مقرهای اعلام شده شتافتند. یک ماه پیش در برابر زندان اوین به آن ها گفته بودند که عفو عمومی در پیش است و لیست عفو شدگان نیز تهیه شده است. آیا حالا...؟ بعضی از خانواده ها با خود سند منزل و پول به همراه آورده بودند. ضمانت نامه برای آزادی! گزارشی از تهران، آن روز سیاه را چنین توصیف کرده است: "در کمیته



بازو در بازو پیکار کردند و در کنار هم در راه آرمان هایشان سفرزانه جان باختند. جانباختگان فاجعه ملی فدائیان خلق احمد تقیانی و خلیل لطف الله زاده

گل صحرا (جاده ساوه) اولین نفری که نامش را خواندند، برادر یک زندانی بود. او به داخل کمیته رفت. وقتی که برگشت یک ساک در دستش بود که دست های مرتعش توان نگهداری آن را نداشت. معضلات صورت بی رنگ شده اش منقبض شده بودند، در برابر آن همه نگاه پرسشگر، هیچ حرفی نمی توانست بزند... دومین نفر پیری بود که پرسش زندانی بود. وقتی که دقایقی بعد بیرون آمد، در همان چارچوب در کمیته، ساک و وسایل پسرش را سر دست گرفت و تلو تلو خوران به پیش، به میان جمعیت آمد... دیگر همه فهمیدند چه پیش آمده است و آن ها را برای چه فرا خوانده اند. جمعیت از خشم می لرزید و از درد می گریست.

بدینگونه جمعه سیاه رقم خورد و فاجعه کشتار مهمانی زندانیان سیاسی برملا گردید. در آن روز تنها در ۶ کمیته تهران ۲۵۵۰ ساک تحویل خانواده ها شد. بازمانده ۲۵۵۰ آزاده به خاک افتاده. و این هنوز همه فاجعه نبود. روزهای سیاه دیگری هم در پیش بود. از دوشنبه هفتم آذر تا پایان هفته، فقط در تهران، هر روزه نام ۹۰ شهید را اعلام کردند و بازمانده و ساکنان را به خانواده هایشان تحویل دادند.

دوشنبه چهارم آذر: نام ۱۴۶ شهید فاجعه کشتار مهمانی در نشریه "اکثريت" اعلام شد. هفته بعد فهرست نام ها به ۹۴۴ تن رسید. رئیس دیوان عالی کشور در برابر اعتراض روزافزون جهانی "اعدام هائی" صورت گرفته است. اخبار تازه ای از کشتار هادر میان مردم پخش شد. از مشهد و توجان خبر از اعدام صد ها زندانی سیاسی آمد. در زندان همدان ۴۰ تا ۵۰ نفر کشتار شده اند. در شهرهای کوچک زندانیان سیاسی در ملاءعام به دار آویخته شده اند.

یک هفته بعد: بر فهرست نام ها، نام های تازه ای افزوده شد. حاجی کر بلائی یکی از مسئولین اوین به خانواده ها گفت: "سه بند شامل ۲۰۰ نفر را در اوین آب و جارو کرده و در هایش را بسته ایم". مسئولین کمیته خاوران خطاب به خانواده های زندانیان سیاسی اعلام کردند: "۸۶۴۰ نفر را کشته ایم چون آدم نشدند". سازمان عفو بین الملل اعلام کرد جنایات برملا شده فقط نوک کوه یخ است. و از آن هفته به بعد، هر روز خبر از اعدام های تازه رسید و بر فهرست نام های قربانیان فاجعه افزوده شد.

همین ماه ۶۷: اسامی جنایتکارانی که مسئول مستقیم کشتار مهمانی زندانیان سیاسی بودند، فاش شد: هاشمی رفسنجانی، خامنه ای، موسوی اردبیلی، سید احمد خمینی، ری شهری، مشکینی، حاج آقا نیری (رئیس دادگاه های زندان اوین)، حاج آقا شراقی (دادستان مستقر در زندان اوین)، پورمحمدی (نماینده وزارت اطلاعات)، مرتضوی (مسئول زندان اوین) و دو تن دیگر که شناسائی نشدند. و در اسامی همکاران روح الله موسوی خمینی.

شهریور ۶۷: نام و یاد هزاران قربانی فاجعه کشتار مهمانی زندانیان سیاسی در قلب ها جاودانه است. مردم ایران آشکار و پنهان اولین سالگرد شهادت فرزندان طهران خود را که در سال خونین ۶۷، در راه آزادی پیشانی بر خاک نهاده اند، گرمی می دازند.

کشاكش جناحهای رژیم در سیاست خارجی

بقیه از صفحه اول

ناظران سیاسی این مواضع را به معنای هتک نشینی جمهوری اسلامی در برابر جامعه بین المللی و تعدیل سخنان "رهبر انقلاب" تلقی کرده اند. با اینحال آشفتگی در سیاست جمهوری اسلامی همچنان باقی است. ریشه این آشفتگی از جمله در کشاكش دایمی جناح های حکومتی نهفته است. تدریجاً که بعد از نطق خامنه ای جان تازه ای گرفته اند، خواهان کشاندن بیش از پیش سیاست خارجی رژیم به تقابل و تخصیص با آمریکا هستند و رفسنجانی که تلاش های سیاسی را برای بازسازی مناسبات ایران با غرب کرده است می کوشد، روند نزدیکی به غرب و امریکاراکه در مدت ریاست جمهوری او مشخصه اصلی سیاست خارجی دولتش بوده است ادامه دهد و شتاب بیشتری به آن ببخشد. اما این آشفتگی در سیاست دلیل دیگری هم دارد، معاملات پشت پرده عراق نظیر ارسال کالا به آن کشور و قراردادهای نفتی دو جانبه چشم انداز سودهای

نقشه های رژیم برای "آزادگان"

اهمیت این موضوع برای ملایان حاکم در آنجاست که آنها روز به روز حتی در میان هواداران خود بیشتر بی آبرو می شوند و نیرویی را که بتوانند به آن اعتماد کنند هر روز بیشتر از دست می دهند. بخش بزرگی از کادرهای مطمئن و مورد اعتماد آنها در جریان جنگ و به وسیله ترورها از بین رفته اند و حکومت هرگز نتوانسته است جای آنها را پر کند. ارگان های مورد اعتماد و "خودی" نظیر سپاه و بسیج و کمیته نیز مدت ها است که دیگر آنگونه که باید اعتماد برانگیز نیستند. در این شرایط که حاکمان روز بروز بیشتر دور و بر خود را خالی می بینند، بازگشت "آزادگان" را فرصت مناسبی یافته اند برای فراهم آوردن یک نیروی مطیع و گوش به فرمان.

اما امیدهای رژیم بی اساس است. آزادشدگان به تدریج به میهن باز می گردند و در

گزارشی از ایران

تومان. کیف از ۳۰۰۰ تومان به بالا، روپوش اسلامی از ۳۰۰۰ تومان به بالا

در مورد اجاره خانه هم وضع چنین است، مثلاً خانه ای با ۶ متر زیر بنا ۱۲۰۰۰ تومان اجاره دارد و پیش پرداختی از ۲۰۰۰۰۰ تومان تا ۵۰۰۰۰۰ تومان برای آن می گیرند.

اگر خانواده ای صاحب فرزند شود، بایستی ابتدا برای نوزاد شناسنامه بگیرند و سپس برای شیر خشک اقدام نمایند. این مرحله به این صورت است: ورقه تولد بچه را از بیمارستان همراه با شناسنامه نوزاد و شناسنامه پدر و مادر و دفترچه بسیج همراه با خود نوزاد به محل های مخصوص این کار می برند. در این محل افرادی نشسته اند که من نام آن ها را از زیاب های شیر مادران گذاشته ام. آن ها سینه مادر را می دوشند و بنا بر میزان شیری که از سینه مادر بدست می آورند، برای مادران کوپن شیر خشک نوزاد صادر می نمایند!

جوراب بچه گانه ۱۳۰ تومان
بلوز ۴۰۰ تومان
شلوار کوتاه ۷۰۰ تومان برای بچه های تا ۸ سال
کنفش مردانه از ۳۰۰۰ تومان به بالا.
کنفش زنانه که بتوان از آن حداقل ۶ ماه استفاده نمود ۴۰۰۰ تومان

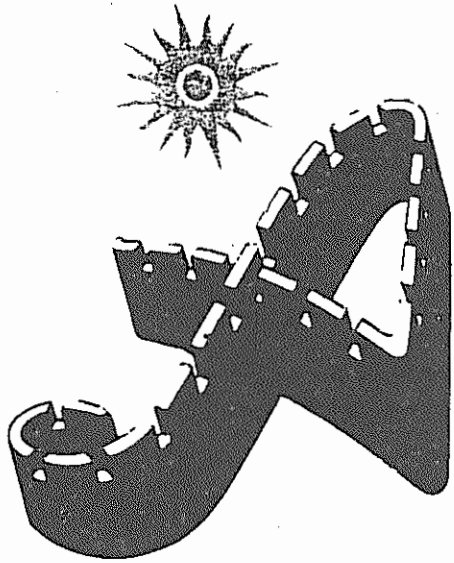
برنامه خاموشی از طرف جراید و رادیو و تلویزیون اعلام می شود. تقریباً روزی ۶ تا ۸ ساعت در تمام نقاط ایران با برنامه ریزی و جدول، خاموشی اعلام می شود. در بعضی از نقاط

شهر تهران با رفتن برق، آب نیز قطع می شود.
کرایه تاکسی هم سرسام آور است. آنرا سها کمترین مسیر را با ۱۵۰ تومان می برند و تاکسی ها هم دیگر گوش نمی دهند مسیر کجاست، بلکه مبلغ را گوش می دهند.
خواستهای اجتماعی:

خفقان بیش از حد سایه خودش را بر ایران افکنده است. تقریباً می توان گفت کسی جرأت همل سیاسی ندارد. سریع دستگیر و به زندان سپرده می شود. جوان ها خواستار آزادی در پوشیدن لباس و گردش هستند. جوان های ایران هیچ چیزی ندارند. بهمین دلیل درصد اعتیاد به مواد مخدر بسیار بالاست. بعلت های گوناگون اجتماعی در صداطلاق بالاست.

گشت جدیدی در ایران تاسیس شده است بنام گشت تامین که به گفته مردم، تعلیم دیده در لبنان می باشند و بنزهای ۱۹۰ مشکی دارند که با رنگ سبز روی آن نوشته شده گشت ویژه. ۴ سر نشین بالباس های کماندو ها ولی مشکلی دارند. کلاه هایشان بڑ می باشد و به کمرشان یک دستبند و یک کلت بسته شده است. آن ها اجازه هر گونه کاری را بدون هیچ حکمی دارند، از خلانی ماشین ها تا مصادره اموال و دستگیری و ...

شعاربازيها: اتحاد، دوستي و پيشرفت



شعار يازدهمين دوره بازي‌هاي آسيايي يکن "اتحاد، دوستي و پيشرفت" است. علامت ويژه اين دوره از بازي‌ها که در بالای اين صفحه ملاحظه مي‌کنيد، طرحي است به شکل حرف "A" به نشانه آسيا و به شکل ديوار بزرگ چين. اين حرف در سيستم شمارش روم باستان به علامت عدد ۱۱ به کار مي‌رفته که نشان دهنده يازدهمين دوره بازي‌هاي آسيايي است. تصوير خورشيد با ۱۶ پرتو در خشان، سمبل شوراي المپيک است. علاوه بر آرم رسمي بازي‌ها، چيني‌ها علامت ديگري نيز به عنوان سمبل بازي‌ها انتخاب کرده‌اند، که تصوير جانوري است به اسم "پاندا". در چين به اين جانور "پن پن" مي‌گويند، به معني اميد و آرزو.

عراق محروم شد

که اگر شوراي المپيک آسيا مانع شرکت ورزشکاران عراقی در دوره بازي‌هاي آسيايي محروم کرد، اين تصميم به خاطر تجاوز عراق به کشور کويت و بيوستن شوراي المپيک آسيا به تحریم‌هاي گسترده سازمان ملل متحد عليه اين کشور صورت گرفت. اين تصميم بويژه، تحت فشار کشورهای عربي اتخاذ شد. بسياری از کشورهای عربي پس از تجاوز عراق به کويت خواستار محروم کردن عراق از شرکت در بازي‌ها شده بودند. چند کشور، از جمله عربستان تمديد کرده بودند.

اتلانتا ۱۹۹۶

اتلانتا، مرکز ايالت جورجياي ايالات متحده، ميزبان مسابقات المپيک سال ۱۹۹۶ خواهد بود. علاوه بر اتلانتا، شهرهای آتن، منچستر، تورنتو، بلگراد و ملبورن نيز داوطلب برگزاری دوره آتي مسابقات المپيک بودند. انتخاب اتلانتا در حالی صورت گرفت که همگان در انتظار انتخاب آتن به عنوان ميزبان المپيک ۱۹۹۶ بودند. بسياری آتن را مناسب‌ترين محل برای برگزار اين بازي‌ها مي‌دانستند. آتن در سال ۱۸۹۶ محل برگزاری نخستين دور مسابقات المپيک مدرن بود.

حجم مبادلات تجاری ايران و انگليس افزايش يافت

انگليس تا پايان سال جاری به قوت خود باقی بماند ارزش آن به ۳۵۰ ميليون پوند يعني بالاترين رقم از سال ۱۹۷۹ تاکنون خواهد رسيد و اين بدان معناست که انگليس از نظر صدور کالا به ايران بعد از آلمان غربی و ژاپن مقام سوم را کسب خواهد کرد و جایگزین ايتاليا خواهد شد.

بر طبق ارقام منتشره توسط وزارت بازرگانی انگليس واردات ايران از انگليس ظرف هفت ماه اول سال ۱۹۹۰ به ۴۸ درصد افزايش داشت و به ۲۰۳ ميليون پوند رسيد و صادرات ايران به انگليس که همدتا نفت خام بوده است اکنون دايجست "ميه" می‌نويسد: اگر افزايش واردات ايران از

بازی های آسیائی از دهلی تا پکن

اولين دوره بازي‌هاي آسيايي در سال ۱۹۵۱ در دهلی نو با حضور ۴۸۹ ورزشکار از ۱۱ کشور آسيايي آغاز شد. در دهمين دوره بازي‌ها در سنول ۴۷۰۰ ورزشکار از ۲۷ کشور قاره پهناور ما حضور داشتند. تاکنون شهرهای دهلی (۲ بار)، مانیل - توکیو - جاکارتا - بانکوک (۳ بار) تهران - سنول - و پکن ميزبان بازي‌ها بوده‌اند.

ورزشکاران ژاپنی، موفق‌ترين ورزشکاران آسيايي بوده‌اند. از نخستين دوره تا هشتمين دوره بازي‌ها، ژاپنيها بدون رقيب بر بام ورزش آسيا قرار داشتند و تهران همه دوره‌هاي بازي‌هاي آسيايي شدند. نخستين بار در سال ۱۹۸۲ در دهلی نو ورزشکاران چين به حاکميت ژاپن بر ورزش آسيا پايان دادند و با کسب ۶۱ مدال طلا در برابر ۵۷ طلاي ژاپن تهران بازي‌ها شدند. در سنول ژاپن یک پله ديگر سقوط کرد و بدنبال چين و کره جنوبي مقام سوم آسيا را به دست آورد.

ورزشکاران ايران تاکنون در ۷ دوره اين بازي‌ها شرکت داشته‌اند. تيم ايران در اين مسابقات ۷۶ مدال طلا بدست آورد که ۳۶ مدال آن مربوط به بازي‌هاي آسيايي تهران است:

- در اولين دوره در دهلی نو - ۱۹۵۱
- در سومين دوره در توکیو - ۱۹۵۸
- در پنجمين دوره در بانکوک - ۱۹۶۶
- در هشتمين دوره، بانکوک - ۱۹۷۰
- در هفتمين دوره، تهران - ۱۹۷۴
- در نهمين دوره، دهلی - ۱۹۸۲
- در دهمين دوره، سنول - ۱۹۸۶

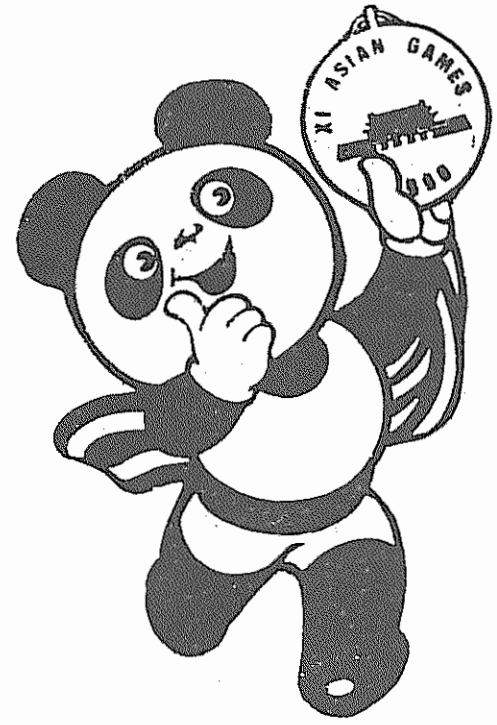
ورزشکاران ايران با کسب ۸ مدال طلا به مقام سوم رسيدند و ورزشکاران ايران با کسب ۷ مدال طلا چهارم شدند و ورزشکاران ايران با کسب ۶ مدال طلا، ششم شدند. ورزشکاران ايران با کسب ۹ مدال طلا، چهارم شدند. ورزشکاران ايران با کسب ۳۶ مدال طلا، ۲۸ نقره و ۱۷ برنز بعد از ژاپن به مقام دوم آسيا دست يافتند.

ورزشکاران ايران با کسب ۴ مدال طلا، هفتم شدند. ورزشکاران ايران با کسب ۶ مدال طلا، چهارم شدند.

اقدامات امنيتی گسترده در پکن

دولت جمهوری خلق چين برای يازدهمين دوره بازي‌هاي آسيايي تدارکات فوق العاده‌ای ديده است و می‌خواهد با برگزاری موفقيت‌آمیز اين مسابقات خاطره سرکوب جنبش دموکراسی در سال گذشته در اين کشور را تا حدودی از خاطره‌ها پاک سازد. چيني‌ها در عين حال نگران بروز ناآرامی در روزهاي هستند که بازي‌ها جريان دارد. به گزارش خبرگزاری‌ها دولت چين تدارکات امنيتی گسترده‌ای برای جلوگیری از بروز هرگونه اعتراضی فراهم ديده است. یک واحد چند هزار نفره ويژه پليس برای حفاظت از ورزشکاران و ميهمانان تشكيل شده است. پليس ضدشورش تقويت گردیده و با ماشينهای آب پاش - به منظور پراکنده ساختن تظاهرات احتمالی - مجهز شده است. پليس فرودگاه پکن تقويت شده است.

خبرگزاری‌ها گزارش دادند که مقامات چيني بسياری از مسافرين شهرستانی پایتخت را که دلایل محکمی برای اقامت در پکن نداشته‌اند، به شهرستانهای خود بازگردانده‌اند. رقم اين افراد تا ۱۰۰ هزار نفر نيز ذکر شده است. در طول بازي‌ها مسافرت به پکن، مگر با اجازه مخصوص، ممنوع خواهد بود. دولت چين، برای تامين امنيت بازي‌ها و جلوگیری از بروز اعتراضات، کره جنوبي را سر مشق قرار داده است. ۴ سال پيش کره جنوبي هنگام برگزاری دهمين دوره بازي‌ها در سنول، با مشکلات امروز چين مواجه بود. بايد دید جنبش دموکراسی در چين تا چه اندازه می‌تواند صدای اعتراض خود عليه خفقان و سرکوب رابه گوش جهانيان برساند.



يازدهمين دوره بازي های آسیائی - پکن

يازدهمين دوره بازي‌هاي آسيايي از روز شنبه در پکن پايتخت جمهوری خلق چين آغاز شد. بيش از ۶ هزار ورزشکار و همراه از ۳۶ کشور آسيايي رقابت برای بدست آوردن مدال‌هاي مسابقات را آغاز کردند. در اين دوره از مسابقات مجموعاً ۹۳۹۹ مدال توزيع می‌شود. از ۳۱۳ مدال طلاي بازي‌ها ۳۰۸ مدال طلا جز' مدال‌هاي رسمي بازي‌ها خواهد بود و ۵ مدال به مسابقات غير رسمي تعلق می‌گيرد. جدول تقسيم مدال‌ها در يازدهمين دوره بازي‌ها را در زير ملاحظه می‌کنيد. (از آنجائی که در هر مورد تعداد مدال‌هاي نقره و برنز برابر مدال‌هاي طلا می‌باشد، به ذکر تعداد مدال‌هاي طلا اکتفا می‌کنيم.)

۴۳ طلا	(مردان و زنان)	دو ميدانی
"۴۰"	(مردان و زنان)	تيراندازی
"۳۴"	(مردان و زنان)	قایق رانی
"۳۱"	(مردان و زنان)	شنا
"۲۰"	(مردان)	کشتی آزاد و فرنگی
"۱۹"	(مردان و زنان)	وزنه برداری
"۱۶"	(مردان و زنان)	جودو
"۱۴"	(مردان و زنان)	ژيمناستیک
"۱۲"	(مردان)	مشت زنی
"۱۱"	(مردان و زنان)	دو چرخه سواری
"۱۰"	(مردان و زنان)	شمشير بازي
"۰۸"	(مردان و زنان)	شیرجه
"۰۷"	(مردان و زنان)	بدمينتون
"۰۷"	(مردان و زنان)	تنيس روی ميز
"۰۷"	(مردان و زنان)	تنيس
"۰۷"	(مردان و زنان)	وشو
"۰۶"	(مردان و زنان)	تيراندازی با کمان
"۰۴"	(مردان و زنان)	گلف
"۰۴"	(مردان و زنان)	سافت تنيس
"۰۴"	(مردان و زنان)	بسکتبال
"۰۲"	(مردان و زنان)	فوتبال
"۰۲"	(مردان و زنان)	هندبال
"۰۲"	(مردان و زنان)	هاکی
"۰۲"	(مردان و زنان)	واليبال
"۰۱"	(مردان)	کبادی
"۰۱"	(مردان)	سپاک تاکرا
"۰۱"	(زنان)	سافت بال
"۰۱"	(مردان)	واترپلو

از رویدادهای ايران

شورای نگهبان صلاحیت داوطلبان نمایندگی مجلس خبرگان را بررسی می‌کند

حسن گنجی رئیس نظارت بر انتخابات گفتگوی با کیهان که در شماره ۱۹ شهریور این روزنامه درج شده است در مورد انتخابات مجلس خبرگان اظهار داشت: مهلت ثبت نام داوطلبان نمایندگی مجلس خبرگان که از ۶ شهریور آغاز شده بود در ۲۰ شهریور پايان يافت. از ۲۳ شهریور صلاحیت نامزدهای ثبت نام شده توسط شوراي نگهبان آغاز شد و قرار است تا ۷ مهر ماه اسامی کاندیدهای تاييد شده با انتشار آگهی اعلام شود. ثبت نام شدگان به ۴ گروه تقسيم می‌شوند: گروه اول کسانی که رهبری اجتهاد آنان راتاييد کرده است. گروه دوم افرادی که شوراي

نگهبان اجتهاد آنان را تشخیص میدهد. گروه سوم کسانی که نزد هلمای شهر خود مشهور به اجتهاد هستند و قرائن و شواهد نيز نشاندهنده اجتهاد آنان است. گروه چهارم افرادی که نیازمند "امتحان" می‌باشند. برای امتحان این گونه افراد یک گروه در تهران و دو گروه در قم تشكيل می‌شود و کاندیدهای نیازمند امتحان به ممتحنان مراجعه و پس از دادن امتحان نتیجه آزمون برای شوراي نگهبان ارسال خواهد شد. انتخابات مجلس خبرگان در ۱۶ مهر ماه برگزار می‌شود و کاندیدها از هفتم تا پانزدهم مهرماه فرصت تبليغات دارند.

در مناطق زلزله زده گيلان، سال تحصیلی از اول آبان ماه آغاز می‌شود

از سوی مديرکل آموزش و پرورش گيلان اعلام شد که امتحانات شهریور ماه دانش‌آموزان مناطق زلزله زده رودبار و همارلو و روستای تابعه از اول تا ۱۵ مهر ماه برگزار می‌شود. سال تحصیلی در اين مناطق از اول آبانماه آغاز می‌شود.

در سطح استان گيلان در سطوح مختلف تحصیلی ۶۰۰ هزار دانش‌آموز وجود دارند. پس از وقوع زلزله ۱۶۳ مدرسه به درجات متفاوت تخریب شده‌اند که احتياج به بازسازی دارند.

برای بزرگداشت هزارمین سالگرد به نظم درآمدن شاهنامه فردوسی، سال ۱۹۹۰ از سوی سازمان جهانی فرهنگی یونسکو، سال بزرگداشت فردوسی نامیده شده است. بدین مناسبت از چندین ماه پیش در کشورهای مختلف جهان مراسم گوناگونی از طرف ایرانیان و برخی محافل فرهنگی و آکادمیک جهان به منظور بزرگداشت فردوسی برگزار گردیده است. از آنجمله در شهر کلن آلمان فدرال نیز مراسمی به همین مناسبت برگزار شد. آنچه در زیر به چاپ رسیده، گزارشی است از یک شب سخنرانی و اجرای موسیقی ایرانی در این شهر که توسط یکی از دوستداران و همکاران نشریه تهیه شده و در اختیار آن قرار گرفته است:

سخنرانی و اجرای موسیقی ایرانی در

بزرگداشت

هزاره فردوسی

مهر داد کیمیائی

این سازها بیتی از شاهنامه را شاهد آورد.
بفرمود تا پیش در خواندند

بر و دسازانش نشانند

یا:

بیای پیران به زنگ و درای جهان کرس از ناله کروناوی چو یک پاس بگذشت از نیمه شب چه جوش اندر آورده همچون چلب دکترو خوشنام بیتی از شاهنامه را نیز که در آن از باربد موسیقی دان کهن ایران نام برده شده بود خواند:

کنون شیون باربد گوش دار

سر مهر ممتربه آتش دار

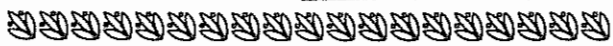
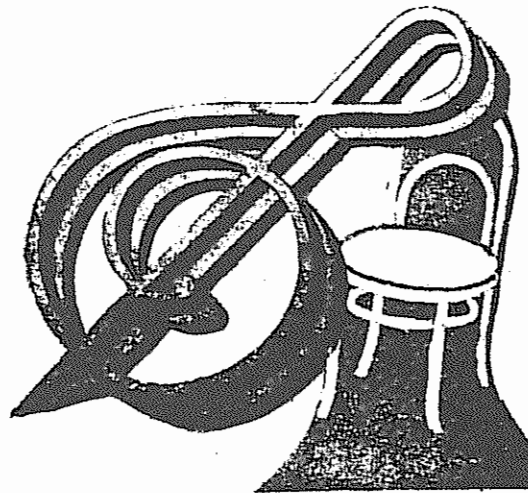
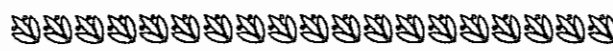
این سخنرانی با آنکه عنوان "موسیقی در حماسه فردوسی را داشت" با این دو حکم یکی آنکه اگر اندامهای اصلی زبان ما حفظ شده به همت شاعرانی چون فردوسی است؛ و دیگر آنکه آنچه امروز ما از موسیقی داریم ادامه تحول یافته همان موسیقی کهن است، پایان یافت.

بخش بعدی برنامه به اجرای موسیقی در دستگاه همایون، اختصاص داشت. این بخشی از برنامه را بهنام مناهجی با سنتور و ناصر شکرانی که خود آهنگساز نیز هست با تنبک اجرا کردند. بهنام مناهجی هر چند در این بخش از برنامه به اجرای موسیقی سنتی ایران پرداخت، با این همه کارش در زمینه نوازندگی سنتور او از بداهت‌هایی، ویژه برخوردار بود.

بخش پایانی این برنامه به پرده خوانی اختصاص داشت. نام مجری این بخش بهمن پارسا بود. او که حرفه‌ای این کار نیست پیش از این نیز در برنامه‌های در دوسلدورف همین پرده خوانی را با همین پرده اجرا کرده بود، مضافاً اینکه چون شوخی‌هایش تکراری بود برد کمتری داشت.

این برنامه در سالنی با امکانات مناسب و با گنجایش تقریبی ۴۰۰ نفر اجرا گردید که متأسفانه بیش از نصف گنجایش سالن در آن شب حاضر نشدند. یکی از مهم‌ترین ملل کمی تعداد شرکت کنندگان، تبلیغات ضعیف و ناکافی از جانب گردانندگان این برنامه بود.

مجری و صحنه گردان برنامه بزرگداشت فردوسی در این شب، ایرج زهری بود که از چهره‌های شناخته شده نقدتئاتر ایران است. ایرج زهری خود برنامه مستقلی نداشت و صحنه گردانی آن شب نیز از ضعف‌هایی برخوردار بود. اجرای برنامه گاه از پائین سن و گاه از بالا؛ گاه با معرفی بسیار کوتاه سخنرانان و گاه بدون هیچ گونه معرفی صورت می‌گرفت.



بهنام مناهجی

احساسی که در سنتور نمی‌گنجد

چهره‌اش به جز برای دست‌اندرکاران موسیقی تقریباً برای همه ناآشنا است. وقتی مجری نامش را اعلام کرد، خودش بر صحنه نبود. تنها سازش که بر میز سنتور قرار گرفته بود که با گلیلی خوش طرح پوشانده شده بود. چشم‌ها روی سنتورش متمرکز شده بود که وارد شد. با قامتی متوسطه چهره‌ای جدی اما نه هبوس، چشمانی سیاه، پشت هینکی با قاب سیاه، شلوار و پیراهن سیاه، موهایی سیاه که بر تارک کاکلش شیار باریک و ملایمی از موهای سپید نقش بسته بود. نرم و چابک پشت سازش نشست. نگاهی به تماشاگران، یعنی که سکوت. و سازش در سکوتی پر رنگ، نغمه آغاز کرد.

در بروشوری که روی صندلی‌ها قرار گرفته بود نوشته بودند که اجرای سنتور در دستگاه شور است. اما چند لحظه که از نواختن سنتور گذشت بسیاری فهمیدند که شور آن از "شور" بیشتر است. چیزی حول و جوش دستگاه شور. بداهتی تازه! از سنتورش صدایی شنیده می‌شد که اگر گواهی چشم نبود، گوش، سنتورش نمی‌دانست. اگر چشم‌هایت را می‌بستی و از گوش‌هایت می‌پرسیدی می‌گفت سازی نزدیک به سنتور، اما نه سنتور.

تک تک مضامین شانه و سینه و بازوانش را به کار می‌گرفت تا دستها و انگشتان تا آخرین سرعت ممکن به کار افتند آن شور و تحرکی را که او می‌خواست بیان کند بر زبان آوردند. و بعد آرام می‌گرفت. قطعه، نوازشی آرام راسر می‌گرفت و باز دوباره تند می‌شد فریاد می‌شد. و در یکی از این فریادها بود که مضراب شکست. نوازنده اما باز نایستاد تند و چابک مضرابی دیگر در دست گرفت و باز بازبان نت‌ها و فواصل تریاد کرد. و قطعه در یکی از این تقاطع‌ها پایان یافت.

پس از اتمام برنامه، جمع گویی گردش حلقه زده بودند. هر یک پرسشی داشتند و می‌گوشیدند تا با پرسش‌های خود با این هنرمند آشنایی بیشتری پیدا کنند یکی از دوستان بهنام مناهجی با لحنی که به شوقی می‌مانست پرسید:

- بهنام چرا مضراب بیچاره را شکستی.

- خوب، دیگر، پیش می‌آید، تازه مجبور بودم همه‌اش ملاحظه این مضراب‌ها را بکنم که نشکند. فکر می‌کنم اگر به جای مضراب چوب گردو، مضراب‌های بهتر می‌توانم تهیه کنم احتمال شکستنش کمتر باشد. مثل چوب گلابی. خلاصه این مضراب‌ها هم برای ما مشکل بزرگی شدند.

دیگران نیز که در طول اجرای برنامه پرسش‌های بسیاری در ذهن داشتند فرصت را برای طرح چند سوالی‌هاشان آماده دیدند. این بود که سوال پشت سوال طرح شد و جواب شنیدند.

- فکر نمی‌کنید هلیت اینکه مضراب‌تان می‌شکند این باشد که ظرفیت این تغییر نوانس‌های شدید را ندارد و شما اگر احساسی بدین صورت را می‌خواهید بیان کنید باید از سازهایی با ظرفیت‌های صوتی بالا استفاده کنید؟

- فعلاً که این تصمیم را ندارم. من فکر می‌کنم همین سنتور احساس مرا پاسخ می‌دهد. اما اگر قطعه‌ای نوشتم که برای سنتور مناسب نبود و یا به طور کلی هیچ یک از سازهای سنتی پاسخگوی آن نبود آنگاه بدون هیچ تعصبی آن قطعه را برای سازهای دیگر خواهیم نوشت.

- با این حساب فکر نمی‌کنید که ظرفیت سنتور همین است که تاکنون بوده و قابل تغییر نیست. تقریباً همینطور است. اما از همین ساز سنتور میتوان با نحوه کوب‌های مختلف صداهای متفاوتی شنید. علاوه بر آن شما روی سیم‌های سنتور یک روزنامه پهن کنید وقتی مضراب روی آن می‌خورد یک جور صدا می‌دهد و اگر پارچه پهن کنید، طور دیگر، روی مضراب نمد بگیرند یک جور صدا دارد، پارچه نمدبندید و یا کاغذ بچسبانی جور دیگری صدا خواهد داد. در مورد قدرت و ضعف و یا در واقع تغییر نوانس آن هم می‌شود تکراری کرد.

- می‌توانم بپرسم چطور شد که سنتور را به عنوان ساز اصلی‌تان انتخاب کردید؟

- به نظر من سنتور بی‌همچترین ساز سنتی ماست. مثلاً با سنتور شما می‌توانید قطعاتی بنوازید که سازهای ایرانی دیگر از نظر بی‌همچ بودن از عهد آن بر نمی‌آیند. یکی از دلایل اصلی انتخاب سنتور از جانب من بی‌همچ بودن این ساز و نزدیک بودن آن به سازهای بین‌المللی است.

- قطعه پریدخت هلیرغم تنوع‌هایی که در ریتم و نوانس داشت، در مجموع قطعه

فهم انگیزی بود، می‌توانم بپرسم این قطعه را در چه احساسی ساختید و علت فهم انگیزی بودن آن چیست؟

- پریدخت اسم مادر من است و من این قطعه را در سوگ مادرم نوشتم. اما تصور من این است که این قطعه‌ای فهم انگیزی نیست. اگر حامل اندوهی هم باشد این اندوه شورانگیزی هم هست. من احساس زیبا و شورانگیزی را که از مادرم داشتم در قالب این قطعه پیاده کرده‌ام.

فرصت کم بود. بخش دوم برنامه در شرف آغاز شدن بود. می‌بایست می‌رفتیم. جمعی که گرد مناهجی حلقه زده بودند به تدریج متفرق می‌شد. با اینکه هنوز دلم می‌خواست پرسش‌های دیگر را بشنوم و پاسخ‌های بیشتری از مناهجی گوش کنم،



با هنرمندان

و

هنر دوستان

نشریه اکثریت که از مدتی پیش کوشیده است تا رویدادهای مهم هنری و ادبی ایران و جهان را بازتاب دهد، اکنون مجدداً بر آن است تا خبرها و اتفاقات ادبی، هنری، و به ویژه فعالیت هنری و ادبی ایرانیان در داخل و خارج کشور را به آگاهی خوانندگان برساند. صورتی به نتیجه خواهد رسید که خوانندگان، خود در انعکاس اینگونه رویدادهای هنری و ادبی با نشریه همکاری فعال داشته باشند. ما از خوانندگان خود به ویژه آن‌ها که در هرصه هنر فعالیت دارند و نیز از آن‌ها که از دوستداران هنر هستند انتظار داریم که با ارسال خبر، گزارش از رویدادهای هنری به ویژه فعالیت‌های هنری ایرانیان در کشوری که زندگی می‌کنند و نیز ارسال اخبار و فعالیت‌های هنری در ایران با ما همکاری کنند. همچنین از هنرمندان و صاحب نظران در هرصه هنر تقاضا داریم تا با ارسال مقالات و نوشته‌های خود، ما را از همیاری‌هایشان بی‌نصیب نگذارند.



از سخنرانی رهبر حزب سوسیالیسم دموکراتیک آلمان

در هفته گذشته گرگور گیزی، رهبر حزب سوسیالیسم دموکراتیک آلمان، در کنفرانس نویسی این حزب پیرامون اهداف و برنامه سخنرانی کرد. در زیر ترجمه قسمت هائی از سخنرانی مزبور را می‌خوانید:

آیا مفهوم "نوسازی حزب" مفهومی صحیح است؟ گرگور گیزی با این سوال سخنرانی خود را آغاز کرد. در بسیاری از مباحث و نیز در نامه‌های زیادی که به رهبری و روزنامه "آلمان نو" ارسال می‌شود، تأکید می‌گردد که مفهوم مزبور دیگر گویای آن چیزی نیست که حزب اکنون نیاز دارد. حزب سوسیالیست متحده آلمان (اس.ا.د.) به هیچ وجه نباید تعمیر و نوسازی شود. "برعکس، هدف ما باید رهائی اندیشه سوسیالیستی از همه پرده‌هایی که با آنان پوشش شده بود و نیز آزادی این اندیشه از هر گونه سوءاستفاده مستبدین کوتاه بین و انواع گرامی‌ها باشد."

با این منظور حزبی لازم است که یک تصور کاملا متفاوتی نسبت به اس.ا.د. از خود داشته باشد خود را نه مایه نیرویی چه درک کند که به همراه سایر نیروهای سوسیالیستی به توشه اندیشه‌ای چه متعدد است نگاه گیزی درباره وضعیت جمهوری دموکراتیک آلمان و روند وحدت دو آلمان صحبت کرد. او گفت: قرار داد مزبور پیش از آنکه با مردم جمهوری دموکراتیک آلمان به بحث گذارده شود، موضوع مباحثه احزاب آلمان غربی بوده است. "ما این سند را رد می‌کنیم زیرا نمی‌توانیم خود را در خیانت به منافع مردم جمهوری دموکراتیک آلمان شریک نماییم."

وعد لوئار دمرزی (نخست وزیر جمهوری دموکراتیک آلمان - مترجم) مبنی بر آنکه پس از اول ژوئیه بر کسی بدتر از قبل نخواهد گذشت. یک حرف مضحک از آب در آمد. بنا به آمار موجود ۲۰ درصد مردم بیکار شده‌اند. "باینک روشن می‌شود که بسیاری از موطان ما بیم دارند هنگام سقوط آزادی به درون اقتصاد بازار متضرر شوند. بررسیها نشان می‌دهند که آنچه بیش از همه مردم را آزار میدهد نگرانی از بیکار شدن است. به علاوه ابهام در مورد بهای اجاره خانه پس از ۱۹۹۱، قیمت خدمات اجتماعی و غیره اذهان را پریشان کرده است. من گاه به گاه از خبرنگاران غربی مورد سوال قرار گرفتم که آیا پ.د.اس. بخاطر همه اینها خوشحال نیست، زیرا ما بوده‌ایم که از همان اول همه چیز را تا همه اجزای آن پیش‌گویی کرده‌ایم، اما این بیانگر تفکر خودفرزانه غربی است که باید بامایگانه بماند.

اگر ما واقعا هم سوسیالیست باشیم، از هر گونه بهبودی وضع زندگی مردم، صرف نظر از اینکه تحت کدام حکومت پدید آمده باشد، فقط می‌توانیم خوشحال شویم."

هفته عملیات، که رو به پایان است، نشان داد که خارج شدن و گذار از مباحث درون حزبی به عمل سیاسی باید با موفقیت هر چه بیشتری صورت گیرد. پ.د.اس. خود را قدری متکی به نفس تر نشان داد و آغاز میکند خود را با شرایط جدید هماهنگ کند. گیزی ادامه داد: "نوسازی در تمام حزب به حرکت درآمده. این روندی بسیار بفرنج و متفاوت است و بخصوص از رفقایی که مدت زیادی عضو اس.ا.د. بودند کوشش زیادی می‌طلبید. برخی‌ها از تردید به خود آزار می‌بینند و سوال می‌کنند، آیا همه چیز بیهوده نبوده است؟ چه طور توانستند این همه سال سیاست اس.ا.د. را همراهی کنند و نظم دائمی آن را تحمل نمایند، با وجودی که حس می‌کردند تبلیغات و واقعیت بسی از هم جدا شده‌اند؟ همه ما که در اس.ا.د. بوده‌ایم باید یاد بگیریم نقادانه با تاریخ فردی خود برخورد کنیم و با این حال باید این انتقاد، یک مبارزه جمعی باشد. می‌دانم که نسبت به تاریخ جمهوری دموکراتیک آلمان و ماهیت اس.ا.د. سوالات بسیاری وجود دارند. مثلا: آیا جمهوری دموکراتیک آلمان، سوسیالیستی بود؟ آیا اس.ا.د. ارتجاعی بود؟ در پس مفهوم استالیانیسم چه چیزی پنهان است؟

رهبری حزب نمی‌تواند به علوم تاریخی بپردازد. این علم، موضوع دانشمندان علوم تاریخست. اما ما باید هر چه عمیق‌تر به درون تاریخ خود راه یابیم زیرا فقط به این وسیله قادریم اکنون و در آینده پایدار بمانیم. از آنجایی که من در نشست در میانه دربار ه خصلت از جهای اس.ا.د. صحبت کردم و میدانم که این تعریف با انتقادات و ابهامات بسیاری مواجه شده است، سعی می‌کنم اثر ا قدری تعریف کنم:

بحث بر سر دو مسئله کاملا متفاوت است. لازم است میان امیال و فعالیت عملی تعداد انبوهی از رفقای ما، که با اعتقاد صادقانه به سوسیالیسم قدم بر می‌داشته‌اند، از سویتی و سیاست رهبری اس.ا.د. که مبتنی بر کارزار تبلیغاتی بوده و در واقعیت از مردم فاصله بسیار داشت، اما فقط به رهبری محدود نبود، از سوی دیگر، تفاوت اساسی قائل شد. امیالی که ما گمان می‌کردیم تعقیب کنیم یک چیز است و آن چه سیاست اس.ا.د. به طور عینی پیش میبرد یک چیز دیگر. هاقبت این سیاست را اکنون در نحوه زوال جمهوری دموکراتیک آلمان مشاهده می‌کنیم، ما باید باین موضوع برخورد کنیم. در ارزیابی سیاست گذشته حزب، فقط مقیاس‌های عینی معتبراند، نه آرزوهای ذهنی.

نوسازی جنبش سوسیالیستی موضوعیست که بسی از پ.د.اس. فراتر می‌رود. نوسازی تنها با پیوند نگرشی به گذشته، تحلیل وضعیت کنونی و نگاه به آینده ممکن می‌شود. پرداختن ما به تاریخ پیش از همه به این مفهوم است که به بعد تاریخی عمل خود آگاهی یابیم. مادر حال حاضر در خاک آلمان در حال گذار از یک جامعه شکست خورده به یک جامعه در خور آینده بسر نمی‌بریم. هر چه نظر تاریخی، اقتصاد بازار سرمایه داری، حلیرقم نیروی زندگی و کارایی قابل توجه در جوامع صنعتی پیشرفته، در ابعاد جهانی بسوی یک بن بست حرکت می‌کند. پسران به اصطلاح سوسیالیسم واقعا موجود، ندای آغاز بحران جامعه صنعتی بطور کلی است. نه نوع بشر و نه سیاره زمین قادر نیستند به مدت زیادی اقتصادی را که بلامانع بر سو د بماند، تحمل کنند. از اینجا درکی نوینی از پیشرفت و از جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم، مشتق می‌شود."

گیزی به این منظور نیروهای چه رانفرامی خواند که با عقیده بسیاری از مردم، مبنی بر اینکه سیاست و تاریخ برایشان دیگر جالب نیست، به منظور بررسی ماجل و ضرور تاریخ جمهوری دموکراتیک آلمان، مقاله کنند. سخنران تأکید کرد که در حزب و در تمام کشور در خصوص بررسی تاریخ هنوز کاملاً راه آغاز راه قرار داریم.

"ما باید نسبت به همه افرادی که دوباره بدون آنکه ابتدا سوالات بسیاری در مقابل خود نهاده باشند و به مدت طولانی و بطور پایه‌ای برای یک پاسخ زحمت کشیده باشند، جوابهای حاضر و آماده‌ای دارند، صرف نظر از اینکه به کدام اردوی سیاسی تعلق دارند، به دیده شک بنگریم."

گیزی یادآوری می‌کند که در همان کنگره فوق‌العاده در ماه دسامبر ۱۹۸۹ نخستین موضع گیری، نسبت به هلاطم و نشانه‌های بحران و هتل آن و نسبت به ضرورت یک نوسازی بنیادی، به عمل آمد. "در همان کنگره گفته شد ناهنجاری استالیانیستی در جنبش حزب تا سالهای ۲۰ قرن کنونی به هتت بر می‌گردد. نشانه‌های این پدیده در ساختارهای متضاد با اندیشه‌های سوسیالیستی، در دستگاه‌های مستقل شده، در یک ایدئولوژی توجیه‌گر و سوءاستفاده از قدرت به چشم می‌خورد. پدیده مزبور بیش از همه در یک تفکر حزبی و پراتیکی متجلی شد که پ.د.اس. آشکار از آنها فاصله گرفت."

اما در کنگره فوق‌العاده مسائل از هم تفکیک شد: اس.ا.د. از یک سوسازمانی بود که توسط بوروکراسی هیئت سیاسی مورد سوءاستفاده قرار گرفته بود، از سوی دیگر، این حزب، جنبشی بود که بسیاری از سوسیالیست‌های معتقد، در آن، میهن سیاسی خود را می‌دیدند و در صفوف آن به دنبال سازندگی برای مردم خود بودند. بسیاری از مردم جمهوری دموکراتیک آلمان، چه غیر حزبی و چه اعضای حزب، با فعالیت خود برای یک جامعه عادلانه‌تر و معتقد به صلح و ضدفاشیست جای پای شایسته‌ای در تاریخ بجای گذارند. این واقعیت، باتوجه به فشار اجتماعی قدرت انحصاری و ناهعدالت‌خواهی‌های جامعه سرمایه داری، که مبتنی بر رقابت خشن و بر ملاحظه افراد در راه ارتقای خود است، مطمئنا در آینده‌ای نه چندان دور در آگاهی فردی و اجتماعی جای همیق‌تری برای خود باز خواهد کرد."

گرگور گیزی در ارتباط با بررسی تاریخ جمهوری دموکراتیک آلمان توضیح داد که کمیسیون داورری در همکاری با گروه کارگران استالیانیسم، جنبش موسسه تاریخ جنبش کارگری، نام و سر نوشت ۲۰۰۰ زن، مرد و نوجوان را جمع‌آوری کرده که در مقاطع

مختلف و با ابهادهی مختلف مورد توضیح قرار گرفته‌اند. اعضا و هواداران مورخ پ.د.اس. به وسیله مطبوعات، اجتماعات و انتشارات موسسه انتشارات دژیتس نقش مهمی در روشنگری این فصل تاریک تاریخ ایفا کرده و می‌کنند.

"ما مخالف پس‌راندن تاریخ هستیم. حزبی نظیر پ.د.اس. با ساختارها، سیاست‌ها و آن بخش از اعضای اس.ا.د. که واقعا بار تقصیر را بر دوش خود داشتند، بریده است و اما در همین حال خود را به حمل بار گناهان اس.ا.د. متعهد می‌داند، به مراتب بیشتر از احزابی که سابقا در قدرت شریک بودند اما امروز به زیر بال احزاب آلمان غربی فرار کرده‌اند، با محرکهای پس‌راندن تاریخ مقابله می‌کنند. و این نشانه کم لطفی خواهد بود اگر به پ.د.اس. به این منظور، که به مراتب دشوارتر از نوشتن اعلام پیوست به احزاب غربیست، وقت لازم داده نشود.

به عقیده من برای روشن کردن تاریخ نه فقط به گرداندگان اصلی بلکه به همکاران نیز نیاز است. و از آنجایی که این همکاران در احزاب غربی تحلیل می‌روند، کار ما قدری دشوارتر می‌شود. اما فکر می‌کنم که ما به تنهایی نیز از عهده‌اش برآیم.

بعضا شاید نقد نیاز دارد، هنوز به این سوال پاسخ نمی‌دهد که با جنبشی که با رسالت تحقق شرافتمندانه‌ترین اهداف، از بین بردن استثمار انسان از انسان و نابودی انسان به وسیله انسان، قدم به صحنه گذاشت، چرا ناهنجاری‌ها با وجود آمدن در در اینجا نیز نباید پاسخ‌های فوری انتظار داشت، ما فقط مشترکا و به تدریج قادریم پاسخ‌ها را بیابیم، گرچه تاریخ با سرعت زیاد به راه خود ادامه می‌دهد و برای ما فرصت تنفس نمی‌گذارد."

آنگاه گیزی پس از یک گذر همه جانبه به تاریخ چپ‌های آلمان، سوالات بسیاری مطرح کرد که در آینده باید به آنان پاسخ داده شود، به ارزیابی پ.د.اس. پرداخت و گفت او سکار لافن تن (کاندید حزب سوسیال دمکرات در انتخابات آلمان - مترجم)، چند روز قبل از او خواست توضیح دهد که پ.د.اس. می‌خواهد چگونه حزبی باشد؟ یک حزب کمونیست یا یک حزب سوسیال دموکراتیک؟ به عقیده لافونتن در مورد اول باید با آن مبارزه کرد، در مورد دوم دیگر به آن نیازی نیست و باید خود را منحل کند زیرا یک حزب سوسیال دمکرات (اس.پ.د.) وجود دارد. بنظر نمی‌رسد که در اینجا یک قالب از پیش تعیین شده دست بالا را داشته باشد. "ما نه یک حزب سوسیال دموکراتیک و نه یک حزب کمونیستی، در مفهوم سنتی آن، هستیم، بلکه ما در راه تبدیل شدن به یک حزب سوسیالیستی، ممانعت را نترسانیم و سیاست و دموکراتیک می‌باشیم و حزبی که در برنامه و سیاست به مضامین سوسیالیستی پایبند است و تلاش میکند این مضامین را بطریقی نوین برجسته سازد." اگر اس.پ.د. در برنامه و سیاست خود یک حزب سوسیالیستی می‌بود، واقعا نیازی به پ.د.اس.

وجود نمی‌داشت. اما اس.پ.د. بسی از سوسیالیسم دور است و در آینده نیز لابد دورتر خواهد شد. برنامه و سیاست اس.پ.د. فالتا از یکدیگر فاصله می‌گیرند. پ.د.اس. باید درک تئوریک، اجتماعی و سیاسی خود را که به توشه اندیشه مارکسیستی متعهد است اما از آن فراتر می‌رود روشن سازد. از ما می‌طلبد ارزشهای مدرنی جامعه معاصر بورژوازی را با معیار تفکیک شده و نیز بسیار انتقادی، اما بدون دیوار ایدئولوژیک به رسمیت شناسیم. به علاوه یک رابطه سالم با ارزش‌های مزبور شامل انتقاد از سرمایه داری در تئوری و بیش از همه در عمل می‌شود. می‌توان اینطور هم گفت که سوسیالیسم به معنای انتقاد دائمی از سرمایه‌داری است."

گیزی ارزش‌های بنیادی سوسیالیسم دموکراتیک را، که پ.د.اس. دنبال می‌کند، آزادی فردی، عدالت اجتماعی، همبستگی، صلح، حفظ طبیعت و قلبه بر نارسد یا فتگی قلمداد کرد.

"نشانه‌های ویژه مارکسیستی ما برای یک سوسیالیسم دموکراتیک نکات ذیل‌اند:

یک جامعه حقیقتا آزاد، عادل و همبسته فقط در صورتی قابل تصور است که در آن روابط اجتماعی از قواعد سود سرمایه تبعیت نکنند. مسیر سوسیالیسم دموکراتیک در وهله اول راه دموکراسی است (راهی برای تقویت دموکراتیزه کردن جامعه) نکته تعیین کننده برای تفکر برنامه‌های ما، همه جانبه نگر نیست جهانیست. ما مبتنی بر نگرشی عموم بشری و همزیست از فرد و نیازهای تکاملی اوست."

گیزی سپس استراتژی تغییرات دو گانه و تحول روابط اجتماعی در آلمان و جوامع اروپایی را برای سال‌های ۹۰ مشتق کرد. اولاً، ما برای یک سازش نوین تاریخی در تقسیم قدرت اجتماعی میان سرمایه و کار و نیز میان نخبگان بوروکراتیک و مردم دموکراسی در تولید و تعیین دراز مدت تکامل علمی، فنی، صنعتی و مصرفی در سطوح مختلف موسسه تولیدی، بخش، استان، کشور و بازار مشترک اروپا مبارزه می‌کنیم.

ثانیا، ما باید برای رهائی خود از جبر نیازهای اغلب تحمیل شده یک جامعه کار و مصرف تحت سیادت اقتصاد مبارزه کنیم. این شامل کاهش ساعت کار و چنان تقسیم کاری است که دریایی از سازندگی زندگی آزاد، فردی و جمعی را خارج از ساعات کاریز ممکن می‌گرداند."

گیزی در بخش پایانی سخنرانی خود بطور مشروح به ایجاد ائتلاف انتخاباتی پ.د.اس. (لیست چپ) پرداخت و خطاب به مردم جمهوری دموکراتیک آلمان گفت "پ.د.اس. مطمئنا یک گویه یگانه نیست اما با این حال در مقایسه با احزابی که آلمان فدرال در چهارچوب اتصال جمهوری دموکراتیک آلمان به آلمان فدرال، به زور فضا می‌کند، قطعاً بهترین چیزیست که می‌تواند نصیب مردم شود."

جاکسون دیهل تفسیری از نظریات مقامات اسرائیل

عراق را از مواضع دفاعی که در آن‌ها استقرار یافته‌اند براند، ولی قادر به نابودی نیروی هوایی و دفاع هوایی عراق و ذخایر موشکی و دیگر تاسیسات کلیدی این کشور می‌باشد.

یک مقام رسمی اظهار داشت، شما مجبورید که یک بار آن را انجام دهید، عظیم و موثر، لزوم ضربد هوایی دوم وجود نخواهد داشت، هدف باید نابود کردن ظرفیت مردم برای هد. کس العمل باشد.

بقیه از صممه ۲

مقام اسرائیلی اظهار کرد شاه حسن نیز تحت فشار است، او نسبت به آنچه انجام می‌دهد نامطمئن و دلسرد است، زیرا به بهائیی که باید در رابطه با مردم کشور خویش بپردازد نمی‌اندیشد.

تحلیلگران اسرائیلی بر این اعتقادند که هر چند عملیات نظامی زمینی علیه نیروی عظیم عراق در آینده نزدیک فیرقابل تعیین است، ایالات متحده می‌تواند با بهره‌گیری از تمامی نیروی هوایی خود در یک عملیات هماهنگ ضرب به خردکننده‌ای به صدام وارد آورد، هر چند چنین ضرب‌های قادر نیست توپخانه



پاسخ به نامه ها

همکار گرامی ج. بهداد ضمن ارسال نامه‌ای، نکاتی را در مورد چند شماره اخیر نشریه طرح کرده‌اند. ایشان نوشته‌اند: "چنین می‌نماید که بحران خلیج فارس همه رویدادهای دیگر را به فراموشی سپرده است و از مسائل اقتصادی و انشای هیاهوی رژیم در مورد برخی از پروژه‌های مربوط به برنامه پنج ساله در نشریه سخنی به میان نمی‌آید." ایشان همچنین بر ضرورت بازتاب دادن تحولات عمرانی و آبادانی کشور، که به هر حال در جامعه ایجاد می‌شود، تاکید کرده، پیشنهاداتی در این زمینه ارائه داشته‌اند.

ظراتی پیرامون اولین کنگره و گزارش شورای مرکزی

کاندیداتوری همه کسانی که حرفی برای گفتن دارند، باز باشد. در رابطه با شیوه رای‌گیری در انتخاب شورای مرکزی به فرمول "شش دهم" اشاره شده است. هر چند این در مقایسه با سیستم انتخابی اکثریت آرا (ده دهم)، که می‌تواند منجر به انتخاب شورای مرکزی توسط اکثریت (۵۱ درصد) کنگره شود، دموکراتیک‌تر است، با این حال تا حد زیادی دچار همان نقیصه است. مثلا اگر در کنگره تعداد انتخاب‌کنندگان را ۱۳۵ نفر (۱۰۰٪) و جناح‌های تکراری را در سه گروه (۳۷٪، ۴۵٪، ۳۳٪) و ۳۵ (۳۰٪) نفری تقسیم کنیم، نتیجه انتخابات منجر به نمایندگی دو جناح اول با متوسط ۵۵ و ۴۵ رأی (۴ و ۶٪) و حذف نمایندگان جناح سوم با ۳۵ رأی می‌شود. در واقع اگر جمع امتیازات کاندیداهای موفق در کنگره به کل آرا موجود (۶ برابر تعداد انتخاب‌کنندگان) تقسیم کنیم، رقم ۶۸٪ بدست می‌آید که گرچه از ۵۱٪ دموکراتیک‌تر است، از شیوه‌های دیگر نسبی که نمایندگی ۹۱٪ را در کدام یک ۱/۹٪ آرا جمع (حذف کاندیدای یازدهم با ۹٪) امکان پذیر می‌سازند، فیر دموکراتیک‌تر است.

پیش‌به‌سوی کنگره دموکراتیک‌تر دوم!
ک احمدی

گرچه امر کنگره به طور مطلق به امر دموکراسی مربوط است و دموکراسی تا حدود زیادی با حقوق اقلیت نظری در سازمان ارتباط دارد، گزارش شورای مرکزی و قطعنامه‌های مصوب توسط اکثریت کنگره نشان مشخصی از نظرات اقلیت نداشت و تا حدود معینی تلاش داشت به نمایش اتفاق آرا یا اکثریت مطلق در تصمیم‌گیری‌ها بپردازد. هر چند جو صمیمانه موجود خوشحال‌کننده و لازم است، ولی این نکته نایبسته به قیمت عدم توجه به نظرات اقلیت، حتی از دید طرد و نفی نظرات اشتباه صورت گیرد.

ملا گویا حدود ۱/۳ حاضرین به قطعنامه اشتباهات اجمالی رأی مخالف دادند. نظرات آن‌ها چه بود؟ آیا گذشته را کاملا درست و بی‌خطا ارزیابی می‌کردند و یا شاید ریختن تمامی کاسه‌کوزه‌های سررهبری سابق را قبول نداشتند؟ یا...
یکمورد دیگر انتخابات شورای مرکزی است که مطابق گزارش "نام هیچ یک از اعضای هیئت سیاسی سابق (در ترکیب اعلام شده) وجود نداشت." صحتی را جمع به جو غالب در کنگره و تاثیر آن در عدم کاندیداتوری اکثریت قریب به اتفاق رهبری سابق شد. شاید با توجه به همین جو و روان‌شناسی مشابه در جنبش این کار مثبت بود. ولی در نهایت در یک کنگره دموکراتیک شرایط بایستی برای

یافته‌های نو در برخی از رشته‌های دانش معاصر

تصویر ناسامان و پرپیچ‌وتاب ماندول پروت به جز ریاضیدانان توجه پژوهشگران سایر رشته‌ها را نیز برانگیخته است. یافته ماندول پروت روشن می‌سازد که بسیاری از فرایندها که ساده و سرراست می‌نمایند در واقع مالمال از ناسامانی و هرچ و مرجند. باری هوا و مجموعه ماندول پروت سامانه‌های پویایی هستند که وضعیتشان پاپایی زمان دگرگون می‌شود و تمام و کمال خودپو (خود سامان) می‌باشند. موقعیت آتی چنین سامانه‌هایی (سیستم‌هایی) ... شیدیدا و به گونه‌ای حساس به وضعیت کنونی آن وابستگی دارد. کوچکترین تغییر در موقعیت کنونی این گونه سامانه‌ها می‌تواند به دگرگونی‌های شگرفی در وضعیت آتی آن‌ها بیانجامد. چنانکه گفته شد چنین سامانه‌ها یا روندهایی را خودپویا خودسامان می‌نامند. از جمله سامانه‌ها یا روندهای خودپو می‌توان برای نمونه از واکنش‌های شیمیایی، فراگشت (تکامل) هستی بر روی زمین، روند مرض و تقاضا در نظام سرمایه‌داری و تحولات کیهانی نام برد.

یه از صفحه آخر ... می‌شود که این تغییرات به خود هوای آتی را دچار گرونی می‌سازند. این واقعیت را که روندهای برخطی به پیامدهای رچ و مرج آمیزی می‌انجامند، دو نشمند فرانسوی به نام‌های ستون یولیا و پیرفاتودر هنگامه نگ جهانی اول و بی‌خبر از دیگر کشف کردند. آن‌ها یک بسازه (معادله) ساده برخطی را با معادله‌های مختلفی ل کرده و نتایج بدست آمده را در مول دیگری وارد کردند و به ل آن فرمول پرداختند. آن‌ها ن کار را بارها و بارها تکرار دند، به گونه‌ای که مجموعه‌های نقاط بدست آمد که امروز مجموعه یولیا نامیده می‌شود. ده‌ها سال بعد پژوهشگری به م بنو ماندول پروت از کنسرن ریکایی کامپیوتر IBM کار دو نشمند یاد شده را پی گرفت. وی رنگ کردن نقاط مجموعه یولیا صغحه کامپیوتر خود تصویری یید آورد که مجموعه ندول پروت یا انسان سیب ناما فنت (شکل ۱- بخش) نکته گفت‌آمیز در این تصویر، کناره می‌باشد که از شکل‌هایی همانند سب‌های آبی کوچک و بزرگ به م پیچیده تشکیل یافته است. با رگ کردن هر بخش از این سویی شکل‌ها و ساختارهای مانند پیوسته تکرار می‌شوند. ن فرایند که در بخش‌های [a] تا [h] کل نمایش داده شده است، بود نوعی نظم و سامان یافتگی مجموعه پر هرج و مرج ندول پروت یا هر مجموعه برخطی دیگر گواهی می‌دهد.

نوسازی در هندسه اقلیدسی هندسه اقلیدسی و قضایای فیثاغورث نیز سال‌های پیاپی همچون توانین نیوتون حرف آخر علم به شمار آمده‌اند و دیرگاهی است که فراگیری ویژگی‌های خط راست، سطح، مثلث، دایره و مخروط بر همه دانش‌آموزان واجب بوده و هست. زیرا که به گمان ریاضیدانان و بسیاری از دانشمندان دیگر شکل پدیده‌های طبیعی ترکیبی است از این

دوستمان ساسان از سوئد مقاله کوتاهی در مورد ترور هفت قاضی برای "اکثریت" فرستاده است. در ضمیمه‌ای بر این مقاله ایشان از برخورد ما با نامه قبلی که برای نشریه فرستاده بودند، انتقاد کرده و نوشته‌اند: "خواستم فقط بار دیگر گوشزد کنم که من و یا دیگران نیز، به هیچ وجه وقت اضافی برای تهیه مطلب جهت سطل آشغال نداریم. اگر مطالب ضعیف است و غیر قابل چاپ، لطفا بگوئید. اگر زمان برای چاپ مساعد نیست، بگوئید و اگر مطلب بنو می‌منقود شده، اطلاع دهید."

دوست عزیز! در مورد مقاله شما راجع به ترور هفت قاضی، ضمن تشکر از زحمتی که کشیده‌اید، باید

"گیلانیان متقیم هامبورگ" در نامه‌ای به امضای آقای صیامی از ما خواسته‌اند که اطلاعاته آنان را جهت آگاهی خوانندگان "اکثریت" درج کنیم. در نامه آمده است "مطمئن هستیم که چاپ این آگهی با گیل‌زن ها و گیل مردها خواهش می‌کنیم که ماریاری دهند."

"گیل‌زن ها و گیل مردها!" هم شمعی‌های شما در هامبورگ در نظر دارند که برای معرفی فرهنگ، هنر، تاریخ و ادب گیلان زمین شنبی را بنام "شعب گیلان" برگزار کنند.

جهت دسترسی به امکانات موجود در خارج از کشور و پر بارتر شدن این "شعب" از تمامی گیل‌زن ها و گیل مردها خواهش می‌کنیم که ماریاری دهند.

اهداف نشریه‌تان که حمایت از فرهنگ و هنر ایران زمین است، هماهنگ است."

ما در زیر آگهی این دوستان را جهت اطلاع خوانندگان به چاپ می‌رسانیم.

نشانی:
Siami
Immenbusch 11
2000-Hamburg 53
West-Germany
تلفن
0049-040-804651

۵۰ روز استقامت برای خواستهای انسانی

ایرانی که به سبب جلوگیری گاردهای مسئول UNHCR از ورودشان به ساختمان فوق نتوانسته‌اند به اعتراضیون بیوندند، در شناسائی رسمی هويت پناهندگان از طرف دولت فیلیپین، صدور اوراق مسافرتی، افزایش مبلغ ثابت مستمری ماهانه، پرداخت وام به پناهندگان برای انجام پروژه‌های اقتصادی، اعطای پناهندگی جدید به کسانی که چاره دیگری ندارند، نه تنها پاسخ مناسبی نداشته بلکه UNHCR با قطع وام پرداختی، عدم پذیرش متقاضیان پناهندگی و قطع مستمری ماهانه همسران فیلیپینی پناهندگان از ماه ژوئیه گذشته پناهندگان را در وضع دشوارتری قرار داده است. در بازتاب همین سیاست، و خطر جانی که از طرف هوامل رژیم، پناهندگان را تهدید می‌کند، اعتراضیون امروزه تنها در جابجایشان به کشور ثالث پای فشرده و به این اعتقاد رسیده‌اند که دنبال‌گیری خواست‌های فوق‌الذکر با توجه به واقیعت موجود، جز اتلاف وقت ثمری نداشته و به همین دلیل مصمم‌اند تا تحقق خواسته خود یعنی جابجائی به کشور ثالث، به اعتصاب غذا تا پای جان ادامه دهند...

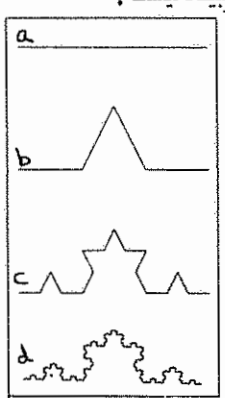
اطلاعه‌های از اتحادیه ملی و دموکراتیک ایرانیان در فیلیپین (امداد فیلیپین) در مورد اعتصاب چهار پناهنده ایرانی در آن کشور به دست ما رسیده است. متأسفانه این اطلاعیه تاریخ ندارد و ما تا به امروز از نتیجه اعتصاب فوق اطلاعاتی نداریم. در زیر بخشی از این اطلاعیه به منظور آشنائی خوانندگان نشریه با مشکلات و مبارزات پناهندگان ایرانی در فیلیپین درج می‌شود:

مموطن
۴ تن از پناهندگان ایرانی در فیلیپین از تاریخ ۱۸ ژوئیه ۱۹۹۰ در اعتصاب غذا به سر می‌برند. خواست اعتراضیون جابجائی به کشور ثالث است. ناگفته پیداست که در طول چند سال اخیر وضع کلی پناهندگان در فیلیپین نه تنها بهبودی نیافته بلکه وخیم‌تر از گذشته نیز شده است. فشار روزافزون ناشی از مشکلات سیاسی حاکم در جامعه فیلیپین، آینده تاریک و نامعلومی در پیش روی ایرانیان متقیم این کشور به ویژه پناهندگان ایرانی قرار داده است. خواست‌های برحق اعتراضیون و پناهندگان دیگر

دیگر هر اندامی از درخت که بوسیله ابزار بزرگنمائی بزرگ شود، به اندام مادر خود شبیه خواهد بود. در همین راستا کوه‌ها با صخره‌ها، صخره‌ها با سنگ‌ها و سنگ‌ها با شن‌ها همانندی‌های بسیار دارند. چرخش سیاره‌ها بدور خورشید نیز کم و بیش همانند چرخش الکترئون‌ها بر گرد اتم است.

مانندول پروت مجموعه‌هایی همچون سواحل انگلیس که ابعاد آن‌ها یک رقم اعشاری است را مجموعه شکسته (کسری) نام نهاد. دانشمندان از آغاز سده کنونی با مفهوم و ویژگی‌های ابعاد شکسته آشنا بوده‌اند، اما ماندول پروت نخستین کسی بود که ابعاد شکسته (کسری) را برای اندازه‌گیری طبیعت به کار گرفت. هندسه اقلیدسی تنها می‌تواند اشکال صاف و ساده مصنوفا ساخته شده همچون کره، مربع و... را توضیح دهد. چنین اشکالی با فرمول‌های جبری تبیین پذیر و قابل محاسبه‌اند، اما اشکال و مجموعه‌های شکسته چنین نیستند. برای رسم منحنی امروز هم همچون ۸۰ سال پیش باید نقطه به نقطه و گام به گام پیش رفت. در انجام چنین کاری یک شکل ساده مانند یک خط راست بر پایه روش‌های معینی دست‌خوش تغییر و دگرگونی می‌شود. شکل چندجانبه‌ای که از این رهگذر بدست می‌آید دوباره دستکاری می‌شود و این کار به همین روال ادامه می‌یابد. مثلا برای رسم "منحنی دانه‌های برف" که یک مجموعه کسری است، باید بخش میانی یک خط راست را برداشت و بجای آن یک ۸ گذاشت (بخش b تصویر ۲). در گام بعد باید بخش میانی همه خط‌های راست را برداشت و بجای آن‌ها ۸ نهاد (بخش c تصویر ۲) و این کار را تا حد

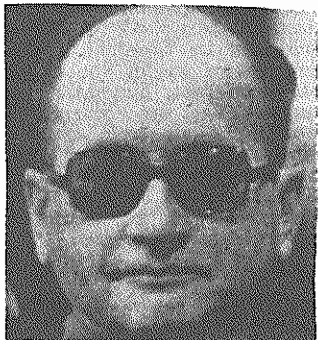
ممکن ادامه داد (بخش d). در انتها شکلی که بدست می‌آید بی‌مانند به دانه‌های برف بهم چسبیده نیست.



شکل ۲

حال اگر بخش کوچکی از این منحنی را بزرگ کنیم، بی‌شابهت به شکل‌های اولیه (c) نخواهد بود. این ویژگی که "هماندگی" نام گرفته است، یکی از شاخص‌های پایه‌ای مجموعه‌های شکسته است که ماندول پروت در جریان یافتن روش اندازه‌گیری سواحل انگلستان آن را بررسی و پژوهش کرده است. اسب‌های آبی انسان‌ها (شکل ۱) نیز از همین ویژگی پیروی می‌کنند. در واقع "هماندگی" را در همه جای طبیعت می‌توان دید. یک شاخه نموداری است از کل درخت، یک شاخچه همانند شاخه خود است و رگ‌های درون برگ نیز به شاخچه‌ای که برگ بر آن قرار گرفته است، می‌ماند. به گفته رادرنی‌یاد،

کاهش مدت ریاست جمهوری یا روزلسکی



فراکسیون «همبستگی» در پارلمان اعلام کرد که در صورت موافقت پارلمان با درخواست پارولسکی، رئیس‌جمهور آیند لهستان در مدتی کمتر از دو ماه مشخص خواهد شد. پس از انشعاب در جنبش همبستگی انتظار می‌رود که علاوه بر لخوالسا، تادونا مازوویتسکی، نخست‌وزیر فعلی لهستان نیز کاندیدای پست ریاست جمهوری بشود.

وویتسک پارولسکی که در سال ۱۹۸۹ از طرف نمایندگان مجلس لهستان به مدت ۶ سال بعنوان رئیس‌جمهور لهستان انتخاب شده بود، چهارشنبه هفته گذشته بوسیله نامه‌ای از مجلس تقاضای کوتاه شدن مدت ریاست جمهوری خود را کرد. تقاضای پارولسکی از طرف همه نیروهای سیاسی لهستان مورد استقبال قرار گرفت. پروتیسلاو گرمک رهبر

یافته‌های نو در برخی از رشته‌های دانش معاصر

ح. بهداد

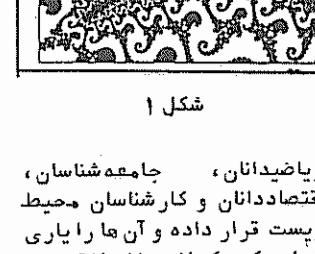
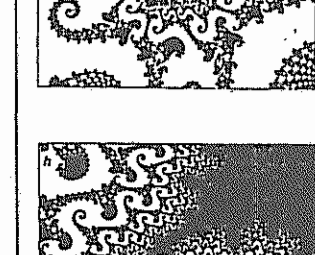
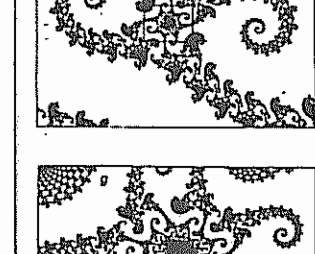
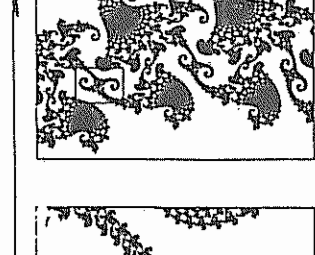
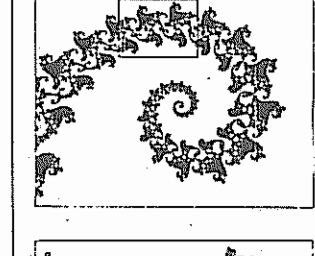
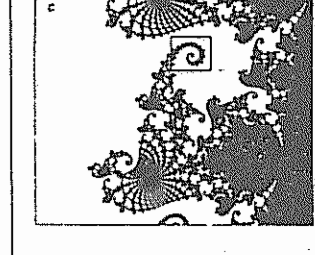
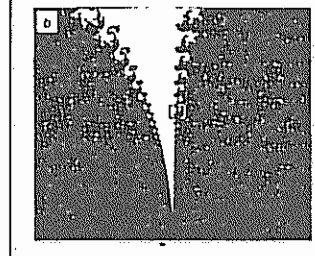
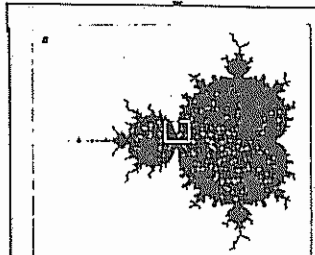
برای دریافت کنه و مفهوم این تحول علمی بد نیست از یکی دو مثال شروع کنیم:

هواشناسان برآنند که پیش‌بینی دقیق وضع هوا کاری است ناشدنی، آنهم نه از آن رو که کامپیوترها توان ارزیابی و شمارش‌های پیچیده را ندارند، بل به دلایل پایه‌ای‌تر: تغییر و دگرگونی هوا روندی است ناسامان و پرهج و مرج، زیرا که یک عامل بسیار کوچک می‌تواند هوا را یکسره دگرگون کرده و تمام پیش‌بینی‌ها را در هم ریزد. گاهی پر زدن یک پروانه در چین می‌تواند دو هفته بعد در اروپا به گردبادی هراسناک بیانجامد. به گفته دیگر کوچکترین دگرگونی در شرایط اولیه (که پایه پیش‌بینی قرار می‌گیرد) می‌تواند پیامدهای گسترده و غیرمنتظره‌ای داشته باشد. نیک پیداست که همه این دگرگونی‌ها را نمی‌توان ثبت و بررسی نمود. برای نمونه هیچ ایستگاه هواشناسی در جهان نمی‌تواند پرواز یک پروانه در آن سوی دنیا را بیابد و آن را هم در ارزیابی پیش‌بینانه خود به شمار آورد.

چگونگی هوای فردا به عواملی همچون گرمی هوا، سرعت باد، فشار هوا و اندازه رطوبت امروز بستگی دارد. همه این عوامل را هواشناسان در ارزیابی‌های خود وارد کرده و پیش‌بینی میان مدت وضع هوا را نه یکبار بلکه ۲۵ بار برآورد می‌کنند، بدینگونه که هر بار مقدار یکی از عوامل یادشده را اندکی کم و زیاد می‌کنند. طرفه اینکه همین تغییرات اندک به پیش‌بینی‌های متفاوت دیگرگونی می‌انجامد. هنگامی که هواشناسان در ۲ بار از ۲۵ بار برآوردهای خود به احتمال بارش باران برخورد کنند، پیش‌بینی آن‌ها منطقی‌تر است، اما در عمل احتمال همه چیز می‌رود. گاهی پیش می‌آید که ۲۵ بار محاسبه همه از بارش باران خبر می‌دهند، حال اگر هواشناسان برای محکم‌کاری محاسبه ۱۲۶م را هم با اندکی تغییر در میزان عوامل اولیه انجام دهند، ممکن است که به نتیجه‌ای برعکس روبرو شوند. از همین رو هواشناسان هیچگاه حتمی و قطعی سخن نمی‌گویند و زیرکانه همه احتمالات را در گزارش خود یادآوری می‌شوند.

چرایی و هلت تاثیرپذیری غیرهادی هوای فردا از هوای امروز به فیرخطی (No-Linearity) (N) تغییر و تحولات جوی برمی‌گردد. روند فیرخطی یعنی آنکه مثلا تاثیر فشار هوا در وضعیت هوای فردا همیشه یکسان نیست و به اندازه باد، گرما و رطوبت هوای امروز بستگی دارد. از اینرو یک دگرگونی کوچک در گرمای هوا نه تنها به تغییر چشمگیری در تاثیر گرما بلکه به متفاوت شدن میزان تاثیر فشار، رطوبت و سرعت باد بر هوای آتی نیز می‌انجامد.

تاثیر عوامل یادشده بر هوا نراتر از جمع ساده تاثیر همه این عوامل می‌باشد، زیرا که هوا سامانه (سیستمی) است خودپو. خودپویی هوا بدان معناست که هر دگرگونی در آن بر عواملی که چگونگی آن را تعیین می‌کنند، تاثیر می‌گذارد. مثلا گرم شدن هوا موجب دگرگونی در فشار هوا، میزان رطوبت آن



شکل ۱

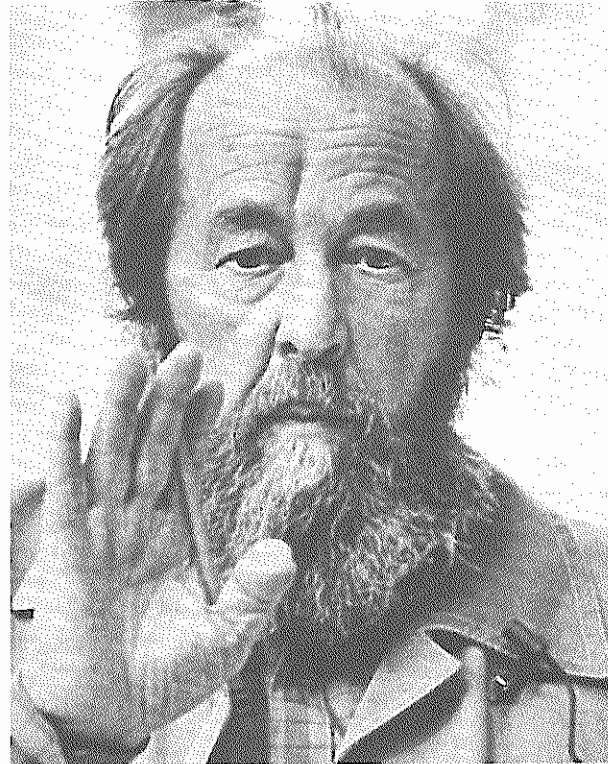
از سده هفدهم میلادی که علوم طبیعی پایه‌های محکم و نیرومندی یافتند، دانشوران و پژوهشگران بر آن بودند که همه چیز پیش‌بینی پذیر و قابل محاسبه است. قوانین نیوتونی در گستره مکانیک پشتوانه چنین توهمی بود و بسیاری از دانشمندان می‌پنداشتند که همه پدیده‌های طبیعی را می‌توان همچون فروافتادن سیب از درخت و یا جنبش توپ بر میز بلیارد و یا چرخش سیارات باز نمود و تبیین کرد. این پندار و توهم تا پایان سده نوزدهم که گاه یک‌تازی قوانین نیوتونی به سرآمد، رونق و روائی داشت.

اما هنگامی که پژوهشگران بر آن شدند که جهان را در گستره کوچک و بزرگ کنکاش و پژوهش کنند با کرانمندی و محدودیت تصویر نیوتونی از جهان روبرو گشتند. به گفته دیگر قوانین نیوتونی در باز نمود و تشریح روندهای درون اتم و فرآیندهای درون کیهان‌ها ناتوان و نارسا از کار درآمدند. در همین راستا بود که فرضیه نسبیت و فرضیه کوانتوم پدید آمدند و دگرگونی ژرفی را در دانش معاصر دامن زدند. با پیش کشیده شدن فرضیه کوانتوم و به دنبال آن فرضیه «عدم قطعیت» پندار مربوط به پیش‌بینی‌پذیری و قابل محاسبه بودن روندها و پدیده‌های طبیعی فروریختن آغاز کرد. بر پایه فرضیه یاد شده، تعیین همزمان جا و مسیر حرکت یک ذره (الکترون) کاری ناشدنی است. در آغاز بسیاری از پذیرش این واقعیت سرباز زدند. استالین نیز که گمان می‌کرد فرضیه‌های انیشتین بنیادها و آموزه‌های مارکسیسم را بی‌پایه می‌سازند، چندگاهی آن‌ها را در اتحاد شوروی ممنوعه اعلام کرد. حتی خود انیشتین نیز در آغاز به یافته خویش بی‌باور بود. او می‌گفت: «آخر نمی‌شود که خدا برای تعیین روندهای طبیعی شیر یا خط کند و هر روز آن‌ها را به گونه‌ای دیگر سمت و سوهدهد.»

باری در دهه‌های اخیر پندار مربوط به پیش‌بینی‌پذیری و قابل محاسبه بودن روندها و پدیده‌ها، یکسره در هم شکسته است. هنگامی که به یاری کامپیوترهای پیشرفته زمینه بررسی سامانه‌های (سیستم‌های) پیچیده فراهم آمد، دانشمندان دریافته‌اند که آن قانونمندی خشک و بی‌خدش‌های که نیوتون برای روندها و پدیده‌های طبیعی پیش نهاده بود، چندان واقعی و منطقی نیست. آخرین یافته‌های دانش معاصر از آن حکایت دارند که نوعی هرج و مرج سامان یافته بر روندها و فرآیندهای گوناگون حاکم است، آنچه که در پی می‌آید گزارش فشرده‌ای است در باره این یافته‌ها و برخی فراگشت‌ها و دگرگونی‌ها در هندسه اقلیدسی. این گزارش با بهره‌گیری از منابع خارجی فراهم آمده است.

به گفته اولاف کوسیرز، از پژوهشگران بنگاه پژوهشی ماکس-پلانک در آلمان غربی ما هم‌اکنون در پویه یک انقلاب علمی به سر می‌بریم که چارچوب‌های علوم کلاسیک همچون فیزیک، شیمی و زیست‌شناسی را در خواهد نوردید و دانش مضامیر را به نوازهای نوینی خواهد رساند. این انقلاب یافته‌های شگرف و متفاوتی را در دسترس

بیانیه سولژنیتسین



الکساندر سولژنیتسین، نویسنده مشهور روس و برنده جایزه ادبی نوبل، بیانیه‌ای تحت عنوان «چگونه روسیه را بسازیم» منتشر کرد. سولژنیتسین در بیانیه خود خواستار صرف‌نظر کردن حزب کمونیست اتحاد شوروی از قدرت شده است: «همر کمونیسم به پایان آمده است. ما به حقوق خود نخواهیم رسید مگر آنکه حزب کمونیست اتحاد شوروی از تمام جوانب حیات اقتصادی-اجتماعی خود فاصله بگیرد.»

در بخش دیگری از بیانیه، سولژنیتسین خواهان ایجاد یک جمهوری بزرگ روس متشکل از ۳ جمهوری فعلی روسیه، اوکراین و بلاروس شده و جدائی ملت اسلاوا از ۱۲ جمهوری دیگر اتحاد شوروی را طرح کرده است.

برای تامین مالی روسیه آینده، سولژنیتسین دو راه حل پیشنهاد می‌کند. ۱- متوقف کردن تولید نظامی ۲- قطع کمک‌های اقتصادی به کشورهای «مستبد» همچون کوبا، ویتنام و کره شمالی.

بیانیه سولژنیتسین در روزنامه «کاماسولسکایا پراودا» با تیرا ۲۲ میلیون منتشر شد.

آمادگی ماندلا برای ملاقات با بوتلزی

نلسون ماندلا، نایب رئیس کنگره ملی آفریقا جمعه هفته گذشته آمادگی خود را برای مذاکره با بوتلزی، رهبر قبیله زولو اعلام کرد. اعلام آمادگی برای ملاقات با بوتلزی، نشانه تغییر سیاست کنگره ملی آفریقا در برابر نیروهای بوتلزی قلمداد می‌شود. ماندلا در مصاحبه مطبوعاتی که پس از نشست ۳ روزه کنگره ملی آفریقا انجام گرفت، بوتلزی را متهم به همکاری با نیروهای امنیتی دولت آفریقای جنوبی کرد. ماندلا، دکلرک، نخست‌وزیر آفریقای جنوبی را مسئول مستقیم ادامه منازعات فعلی در آفریقای جنوبی خواند.

درگیری‌های خونین طرفداران کنگره ملی آفریقا و جریان محافظه‌کار «اینکاتا» تحت رهبری بوتلزی تاکنون بیش از هزار نفر کشته داشته است.

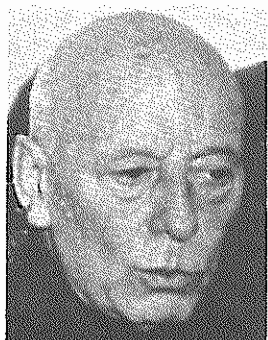
جیان کارلو پائتا در گذشت

Wagazzo rosso)، اثر برجسته و توضیح‌دهنده روحی نسلی از مردم ایتالیا است که تا امروز نام کمونیست برای آنا مفتخرترین نام ممکن می‌باشد. پائتا در تحولات اخیر حز، کمونیست ایتالیا از «اوکتو» رهبر حزب حمایت می‌کرد و طومار تغییر نام حزب را ام نکرد.

زندان محکوم کردند. پائتا پس از سرنگونی موسولینی از زندان آزاد شد و در سال ۱۹۴۶ با رای مردم نماینده مجلس ایتالیا شد. در مجلس طنز قوی و فراجزبی پائتا او را به یکی از محبوب‌ترین نمایندگان تبدیل کرد. بیوگرافی پائتا با نام «جوانان سرخ»

جیان کارلو پائتا، یکی از رهبران مشهور حزب کمونیست ایتالیا روز پنجشنبه ۲۰ سپتامبر در گذشت.

پائتا در ۱۶ سالگی برای اولین بار به زندان افتاد. در سال ۱۹۳۳ تضاقت فاشیست او را به ۲۱ سال



<p>AKSARIYAT NO. 320 MONDAY 24. Sep. 1990</p>	<p>اکثریت نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور</p>
<p>آدرس: RUZBEH POSTFACH 1810 5100 AACHEN W. GERMANY</p>	<p>حساب بانکی M.ABD NR. 35263011 37050198 Stadtsparkasse Köln W. GERMANY</p>